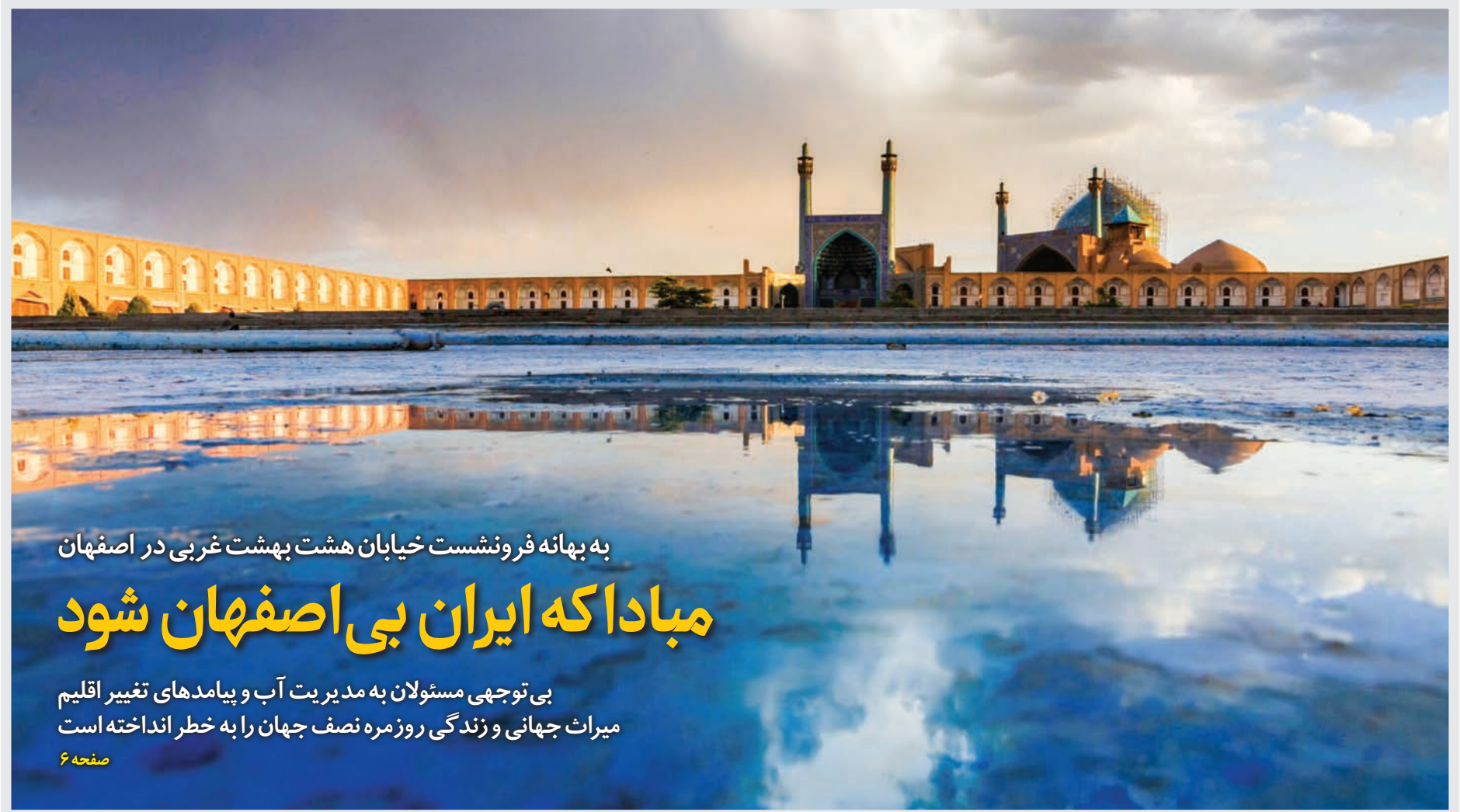


نگاهی به بازار بنک داری و خرده فروشی، از موبایل تا طلا و پوشاک

مغازهداری در عصر یکه تازی تورم

ورود به بازار صاحب مغازه شدن در برخی کاسبی ها نیازمند میلیاردها تومان سرمایه است **صفحه ۲**



به بهانه فرونشست خیابان هشت بهشت غربی در اصفهان

مبادا که ایران بی اصفهان شود

بی توجهی مسئولان به مدیریت آب و پیامدهای تغییر اقلیم میراث جهانی و زندگی روزمره نصف جهان را به خطر انداخته است

صفحه ۶

تلنگر

به بهانه واکنش گسترده مردمی علیه توهین کننده به حکیم توس

فردوسی را پاس داشتیم؛ حالا شاهنامه بخوانیم

رستم، سهراب، اسفندیار یا داستان‌های عاشقانه زال و رودابه آشنا هستند؟ آیا در خانه‌هایمان، شاهنامه جایگاهی فراتر از یک کتاب تزئینی دارد؟ غربت شاهنامه از کاشش سرسرمایه فرهنگی حکایت دارد. سرمایه فرهنگی، که شامل دانش، ارزش‌ها و میراث مشترک یک جامعه است، زمانی تقویت می‌شود که این ارزش‌ها در زندگی روزمره جاری باشند. اما وقتی شاهنامه تنها در زمان جنجال‌ها و توهین‌ها به پادمان می‌آید از قوت سرمایه فرهنگی نمی‌گوید. جامعه‌ای که با شاهنامه بیگانه است، نمی‌تواند ادعای پاسداری کامل از هویت ملی داشته باشد.

شاهنامه را به زندگی بازگردانیم

برای احیای جایگاه شاهنامه، نیاز به اقدامات ایجابی است که این اثر را از غربت درآورده و به بطن زندگی مردم بازگرداند. گنجاندن داستان‌های شاهنامه در کتاب‌های درسی و برگزاری کارگاه‌های شاهنامه‌خوانی برای آشنایی نسل جوان با این اثر روایت داستان‌هایی مانند رستم و سهراب یا بیژن و منیژه، با زبان ساده و جذاب برای کودکان و نوجوانان، تولید آثار هنری و رسانه‌ای، ساخت انیمیشن‌هایی با محوریت شخصیت‌های شاهنامه یا سریال‌هایی که داستان‌های حماسی و عاشقانه آن را روایت کنند، از جمله اقداماتی است که می‌توانند این اثر را به نسل جدید معرفی کنند. والدین می‌توانند با روایت داستان‌های شاهنامه برای فرزندانشان، این اثر را به نسل‌های آینده منتقل کنند. در تاجیکستان، این کار به شکل جدی‌تری انجام شده است. در آنجا، شاهنامه به عنوان یک منبع فرهنگی و تاریخی برای کودکان و نوجوانان به کار می‌رود. در ایران، با وجود اهمیت شاهنامه، این کار به شکل جدی‌تری انجام نشده است. در تاجیکستان، شاهنامه به عنوان یک منبع فرهنگی و تاریخی برای کودکان و نوجوانان به کار می‌رود. در ایران، با وجود اهمیت شاهنامه، این کار به شکل جدی‌تری انجام نشده است.

عدو شود سبب خیر

توهین آن چهره اینستاگرامی، هر چند ناپسند، تلنگری بود تا جامعه ایرانی با واقعیت غربت شاهنامه در زادگاهش مواجه شود. واکنش‌های سلبی، از اعلام جرم تا محکومیت‌های عمومی، شاید درس عبرتی به هتاکان داده باشد، اما بزرگ‌ترین درس این ماجرا برای خود ماست. ما که از توهین به فردوسی خشمگین شدیم، باید در اقدام ایجابی، شاهنامه را بخوانیم، بشناسیم و در زندگی‌مان جاری کنیم.

پوریا محسن زاده
هفت صبح

چندی پیش، چهره‌ای اینستاگرامی با انتشار ویدیویی که در آن با الفاظ سخیف و شوخی‌های ناپسند به حکیم ابوالقاسم فردوسی و شاهنامه توهین کرد، موجی از خشم و اعتراض را در میان ایرانیان برانگیخت. از استاد محمدرضا شفیعی کدکنی که با بیانی کنایه‌آمیز واکنش نشان داد تا روزنامه‌های اصولگرا و حتی دادستانی تهران که علیه او اعلام جرم کرد، همگی در برابر این هتک حرمت ایستادند. اقدامی شایسته و به‌حق که به خوبی انجام شد. اما حالا زمان آن است پرسش دیگری مطرح شود. آیا این واکنش‌های سلبی کافی است؟ آیا جامعه‌ای که به دفاع از فردوسی برخاسته، خود با شاهنامه و میراث آن مانوس است؟

جنگال توهین؛ واکنش برابری هتک حرمت انتشار ویدیوی یادشده که در آن بسا لحنی تمسخرآمیز و استفاده از الفاظ رکیک، ایجابی از شاهنامه را دستمایه شوخی قرار داد، واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت. این اقدام نه تنها از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی، بلکه از سوی چهره‌های برجسته فرهنگی و حتی نهادهای قضایی محکوم شد. محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر و استاد ادبیات، با بیانی پر معنا این اقدام را «پلشتی» خواند و نوشت: «زمانه بس که پلید و پلشت مسخره شد/ عیار سنجی خورشید کار شب‌پره شد». وزیر پیشین ارشاد، سیدعباس صالحی، نیز این رفتار را «سخیف» توصیف کرد و تأکید داشت که چنین اقداماتی از ارزش فردوسی و شاهنامه نمی‌کاهد. دادستانی تهران نیز با اعلام جرم علیه موسوی، این موضوع را به سطح قضایی کشاند. این واکنش‌ها، هر چند به‌حق و نشان‌دهنده حساسیت جامعه نسبت به میراث فرهنگی بود، اما اغلب از جنس واکنش‌های سلبی است. جامعه به‌درستی به توهین اعتراض کرد، اما این پرسش باقی ماند که آیا این خشم و دفاع از فردوسی به معنای آشنایی عمیق با شاهنامه و جاری بودن آن در زندگی روزمره است؟ یا فقط واکنشی احساسی به یک هتک حرمت بود؟

شاهنامه فردوسی:

شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی نه تنها یک اثر ادبی، بلکه نشاننامه هویت فرهنگی و ملی ایرانیان است. این

استفاده از تجهیزات کم‌فشار امکان‌پذیر است. برای انجام شده است. اما این ادعاها، بدون انتشار گزارش‌های فنی و ارزیابی‌های دقیق، تنها به وعده‌های کلی شباهت دارند. آیا این اقدامات نمایشی برای جلب توجه رسانه‌ای کافی است؟ آیا هر گزارشی چنین رویدادهایی به مرمت یا پایداری تخت جمشید کمک کرده است؟ پاسخ منفی است. نبود شفافیت در ارائه گزارش‌های کارشناسی و عدم انتشار داده‌های علمی درباره تأثیر این رویدادها، نشان‌دهنده خلأ جدی در مدیریت میراث فرهنگی است. از منظر اجتماعی، این رویکرد می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای مسئول را تضعیف کند. جامعه‌ای که تخت جمشید را نماد هویت خود می‌داند، انتظار دارد تصمیم‌گیری درباره این میراث با دقت و شفافیت انجام شود، نه با شعارهای مبهم.

ارتعاشات و ترک‌ها: خطری که نادیده گرفته می‌شود کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که ارتعاشات صوتی ناشی از بلندگوها و فشار ناشی از حضور جمعیت و تجهیزات سنگین می‌تواند به ساختارهای باستانی آسیب برساند. سنگ‌های تخت جمشید، که بیش از دو هزار و پانصد سال قدمت دارند، در برابر لرزش‌ها و فشارها شکننده‌اند. مطالعات علمی نشان می‌دهد که ترک‌های صوتی سال‌ها می‌توانند ترک‌های میکروسکوپی در سنگ‌ها ایجاد کنند که به‌مرور به فرسایش و تخریب منجر می‌شود. مدیر پایگاه جهانی تخت جمشید از تدوین طرح جامع حفاظتی خبر داده که قرار است به‌زودی به شورای راهبردی ارائه شود. اقداماتی مانند خرید زمین‌های اطراف، توسعه موزه و بازسازی بخش‌هایی از مجموعه نیز در دست انجام است. اما چرا این اقدامات پیش از برگزاری کنسرت‌ها تکمیل نمی‌شوند؟ چرا گزارش‌های کارشناسی درباره تأثیر ارتعاشات و فشار جمعیت منتشر نمی‌شوند؟ این سکوت، زنگ خطری است که نشان می‌دهد حفاظت از میراث، قربانی نمایش‌های رسانه‌ای شده است.

شفافیت و استانداردهای جهانی: راه نجات میراث حفاظت از میراث فرهنگی نیازمند رویکردی علمی و مسئولانه است. یونسکو و کنوانسیون‌های بین‌المللی تأکید دارند که هر گونه فعالیت در نزدیکی سایت‌های جهانی باید با ارزیابی‌های دقیق و نظارت مستقل همراه باشد. تجربه جهانی، مانند کنسرت‌های آکروپلیس، نشان می‌دهد که چنین رویدادهایی تنها با انجام آزمایش‌های لرزه‌نگاری، محدود کردن تعداد شرکت‌کنندگان و

تاریخی انتخاب شده و مشاوره‌هایی نیز با کارشناسان انجام شده است. اما این ادعاها، بدون انتشار گزارش‌های فنی و ارزیابی‌های دقیق، تنها به وعده‌های کلی شباهت دارند. آیا این اقدامات نمایشی برای جلب توجه رسانه‌ای کافی است؟ آیا هر گزارشی چنین رویدادهایی به مرمت یا پایداری تخت جمشید کمک کرده است؟ پاسخ منفی است. نبود شفافیت در ارائه گزارش‌های کارشناسی و عدم انتشار داده‌های علمی درباره تأثیر این رویدادها، نشان‌دهنده خلأ جدی در مدیریت میراث فرهنگی است. از منظر اجتماعی، این رویکرد می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای مسئول را تضعیف کند. جامعه‌ای که تخت جمشید را نماد هویت خود می‌داند، انتظار دارد تصمیم‌گیری درباره این میراث با دقت و شفافیت انجام شود، نه با شعارهای مبهم.

ارتعاشات و ترک‌ها: خطری که نادیده گرفته می‌شود کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که ارتعاشات صوتی ناشی از بلندگوها و فشار ناشی از حضور جمعیت و تجهیزات سنگین می‌تواند به ساختارهای باستانی آسیب برساند. سنگ‌های تخت جمشید، که بیش از دو هزار و پانصد سال قدمت دارند، در برابر لرزش‌ها و فشارها شکننده‌اند. مطالعات علمی نشان می‌دهد که ترک‌های صوتی سال‌ها می‌توانند ترک‌های میکروسکوپی در سنگ‌ها ایجاد کنند که به‌مرور به فرسایش و تخریب منجر می‌شود. مدیر پایگاه جهانی تخت جمشید از تدوین طرح جامع حفاظتی خبر داده که قرار است به‌زودی به شورای راهبردی ارائه شود. اقداماتی مانند خرید زمین‌های اطراف، توسعه موزه و بازسازی بخش‌هایی از مجموعه نیز در دست انجام است. اما چرا این اقدامات پیش از برگزاری کنسرت‌ها تکمیل نمی‌شوند؟ چرا گزارش‌های کارشناسی درباره تأثیر ارتعاشات و فشار جمعیت منتشر نمی‌شوند؟ این سکوت، زنگ خطری است که نشان می‌دهد حفاظت از میراث، قربانی نمایش‌های رسانه‌ای شده است.

شفافیت و استانداردهای جهانی: راه نجات میراث حفاظت از میراث فرهنگی نیازمند رویکردی علمی و مسئولانه است. یونسکو و کنوانسیون‌های بین‌المللی تأکید دارند که هر گونه فعالیت در نزدیکی سایت‌های جهانی باید با ارزیابی‌های دقیق و نظارت مستقل همراه باشد. تجربه جهانی، مانند کنسرت‌های آکروپلیس، نشان می‌دهد که چنین رویدادهایی تنها با انجام آزمایش‌های لرزه‌نگاری، محدود کردن تعداد شرکت‌کنندگان و

از دیپلماسی فرهنگی تا ضرورت رعایت استانداردهای جهانی برای حفاظت از میراث پارسی

تخت جمشید و نغمه‌های خطرناک

همین صفحه



وزارت صمت، شورای رقابت و سازمان حمایت هر یک ساز خود را می‌زنند

قیمت گذاری خودرو با سه ساز ناکوک

صفحه ۲

غیبت نخبگان و جولان سلبریتی‌ها

فقط هنرمند بمانید!

وقتی همه چیز حتی سیاست به کالای مصرفی چهره‌های مشهور تبدیل می‌شود

صفحه ۵

پنیر و دیپلماسی؛ سفره‌ای برای صلح

فرانسه در تلاش است تا با ابزارهایی مانند پنیر، تصویر عمومی از کار دیپلمات‌ها را بهبود بخشد

صفحه ۴



یادداشت

از دیپلماسی فرهنگی تا ضرورت رعایت استانداردهای جهانی برای حفاظت از میراث پارسی

تخت جمشید و نغمه‌های خطرناک

برگزاری کنسرت در محوطه باستانی تخت جمشید نگرانی کارشناسان و ایران‌دوستان را به همراه داشته است

محمد عبدالعلی پور
هفت صبح

میراث فرهنگی، گنجینه‌ای است که از نسل‌های گذشته به امانت به ما سپرده شده و وظیفه حفظ آن برای آیندگان بر دوش ماست. در سراسر جهان، از اهرام مصر تا کولوسئوم رم، کشورها با دقت و استانداردهای سخت‌گیرانه از این آثار حفاظت می‌کنند. یونسکو، به‌عنوان نگهبان میراث جهانی، بر لزوم ارزیابی‌های علمی و شفافیت در هر گونه فعالیت در نزدیکی این سایت‌ها تأکید دارد. تجربه جهانی نشان می‌دهد که برگزاری رویدادهای فرهنگی در مکان‌های تاریخی، مانند کنسرت‌ها در آکروپلیس یونان، تنها با مطالعات دقیق لرزه‌نگاری، مدیریت جمعیت و نظارت مستمر امکان‌پذیر است. در ایران، تخت جمشید به‌عنوان نماد هویت پارسی، نیازمند چنین دقتی است. اما آیا برنامه‌ریزی‌های کنونی برای رویدادهای فرهنگی در این مکان، با استانداردهای جهانی همخوانی دارد؟ آیا لرزش‌های ناشی از بلندگوها، وزن تجهیزات یا حضور هزاران نفر، به ستون‌های ۲۵۰۰ ساله آسیب نمی‌رساند؟ این پرسش‌ها ما را به تأمل در مسئولیت جمعی‌مان و می‌دارند: آیا در هیاهوی نمایش‌های فرهنگی، حفاظت واقعی از میراث‌مان را فراموش کرده‌ایم؟

کنسرت در تخت جمشید: افتخار یا مخاطره؟

برگزاری کنسرت در محوطه تخت جمشید، یکی از برجسته‌ترین آثار جهانی ایران، در سال‌های اخیر بحث‌برانگیز شده است. تابستان ۱۴۰۳، علیرضا قربانی، خواننده برجسته ایرانی، برای سه شب در فضای بیرونی این مجموعه اجرا کرد و بیش از ۲۴ هزار نفر را به این مکان تاریخی کشاند. همچنین در ۱۵ شهریور ۱۴۰۴ (۶ سپتامبر ۲۰۲۵)، آرکستر فیلارمونیک ارمنستان به مناسبت صدسالگی خود، کنسرتی بین‌المللی در تخت جمشید برگزار کرد که با حضور بیش از ۱۵۰۰ نفر و با هدف تقویت دیپلماسی فرهنگی ایران و ارمنستان انجام شد. این رویدادها، هر چند به‌عنوان نمادی از افتخار فرهنگی معرفی شدند، پرسش‌هایی جدی درباره حفاظت از این میراث جهانی به‌وجود آوردند. آیا چنین برنامه‌هایی بدون پشتوانه علمی و ارزیابی دقیق، به ستون‌های باستانی تخت جمشید آسیب نمی‌رسانند؟

وعده‌های مبهم در برابر تاریخ شکننده مسئولان محلی برای توجیه برگزاری این کنسرت‌ها اعلام کردند که محل اجراها در فاصله‌ای امن از بناهای



تورم و تغییر معادلات درآمدی

در شرایطی که تورم به یکی از پایدار ترین ویژگی‌های اقتصاد ایران تبدیل شده، مشاغل خرد و صغفی نیز دستخوش تغییرات جدی در الگوی درآمدی خود شده‌اند. در این میان، مغازه‌داری به‌ویژه در حوزه‌های مصرفی و پرگردش، به یکی از جذاب‌ترین مسیرهای کسب درآمد تبدیل شده است. برخلاف بسیاری از مشاغل حقوق‌بگیر که قدرت خریدشان در برابر تورم تحلیل رفته، صاحبان مغازه‌ها با بهره‌گیری از چند ابزار ساده اما موثر مانند دیوای کالا، فروش اقساطی، قیمت‌گذاری شناور و تطبیق سریع با نوسانات ارزی توانسته‌اند سودهایی فراتر از نرخ تورم رسمی کسب کنند.

سودهای دوبرابری در سایه تورم

بر اساس گزارش‌های میدانی و تحلیل‌های اقتصادی، در حالی که نرخ تورم سالانه طبق اعلام مراکز آماری بین ۳۵ تا ۵۰ درصد نوسان دارد، برخی مغازه‌دارها در بازار خرده‌فروشی به سودهای سالانه بیش از ۱۰۰ درصد دست یافته‌اند. این سود نه تنها از محل افزایش قیمت کالاها، بلکه از طریق فروش اقساطی با نرخ بهره پنهان، گران‌فروشی در دوره‌های نوسان ارز و حتی احتکار کوتامدت کالاها حاصل شده است. مغازه‌داران با خرید عمده و نگهداری کالا در انبار یا بهترین، عملاً از تورم به نفع خود استفاده می‌کنند؛ چرا که قیمت کالاها در دوره‌های بعدی به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد و سود حاصل از فروش فراتر از نرخ تورم خواهد بود.

اصناف پر درآمد: موبایل و طلا در صدر

درآمد مغازه‌ها بسته به نوع صنف، موقعیت جغرافیایی و نوع کالا متفاوت است، اما به‌طور متوسط، یک مغازه‌دار در صنف موبایل، طلا، پوشاک یا لوازم خانگی می‌تواند ماهانه بیش از ۲۰۰ میلیون تومان سود خالص داشته باشد. در مناطق پرتردد شهری مانند بازار بزرگ تهران، خیابان جمهوری، یا مراکز تجاری شهرهای بزرگ، این رقم حتی بیشتر است. صنف موبایل، به‌ویژه در دوره‌های نوسان ارزی، یکی از سودآورترین حوزه‌ها بوده است؛ چرا که قیمت کالا به دلار وابسته است و فروشندگان با تطبیق سریع قیمت‌ها، حاشیه سود بالایی را تجربه می‌کنند.

صنف طلا نیز با وجود نوسانات شدید، به دلیل ماهیت سرمایه‌ای کالا، همواره در صدر جدول سودآوری قرار دارد. فروشندگان طلا نه تنها از اختلاف قیمت خرید و فروش، بلکه از اجرت ساخت، مالیات بر ارزش افزوده و کارمزدهای پنهان نیز سود قابل توجهی کسب می‌کنند. در برخی موارد، سود ماهانه یک واحد صنفی طلا

وعده‌های آغازین تا واقعیت تلخ امروز

در شهریار، آورده‌های ۱۰۱ میلیارد تومانی و اقساط ۸۰ میلیون تومانی، نشان می‌دهد که نه تنها وعده‌ها محقق نشده، بلکه فشار مالی بر متقاضیان چند برابر شده است. این تغییر مسیر، بیش از هر چیز ناشی از عدم ایفای نقش نظام بانکی است. طبق قانون «جش» تولید مسکن»، بانک‌ها باید ۲۰ درصد از کل تسهیلات خود را به بخش مسکن اختصاص می‌دادند، اما بسیاری از آن‌ها به تعهدات خود عمل نکردند.

نتیجه این کم‌کاری، انتقال بار مالی از بانک‌ها به متقاضیان بود. سازندگان برای ادامه پروژه‌ها، ناچار شدند آورده‌های مردم را افزایش دهند. متقاضیانی که با امید به وعده‌های اولیه وارد طرح شده بودند، حالا با فشارهای مالی سنگینی روبه‌رو هستند. در کنار این، تورم در بخش مصالح ساختمانی و هزینه‌های اجرا، بحران را تشدید کرد. برخلاف مسکن مهر، قراردادهای نهضت ملی مسکن قیمت ثابت ندارند و هزینه نهایی تابع قیمت روز مصالح است. در اقتصادی با تورم بالا، این ویژگی به نقطه‌ضعف تبدیل شد. تأخیر در تزریق منابع مالی باعث توقف پروژه‌ها شد و هر روز تأخیر، هزینه‌ها را بیشتر کرد.

در پرند، متقاضیانی که با ۳۲۰ میلیون تومان ثبت‌نام کرده بودند، حالا با صورت حساب‌هایی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان مواجه‌اند. این چرخه معیوب، یعنی عدم پرداخت وام بانکی و افزایش هزینه‌ها، متقاضیان را در بن‌بستی قرار داده که خروج از آن دشوار است.

اکنون، نهضت ملی مسکن با بحران هویتی روبه‌روست. طرحی که قرار بود افشار کم‌درآمد را صاحب خانه کند، حالا تنها برای کسانی

قابل تحمل است که توان پرداخت آورده‌های میلیاردی دارند. این پارادوکس، هدف اجتماعی طرح را زیر سوال برده است. تا زمانی که نظام بانکی به تعهدات خود عمل نکند و دولت راهکاری برای کنترل تورم در هزینه‌های ساخت ارائه ندهد، نهضت ملی مسکن بیش از آنکه نماد امید باشد، به نمادی از بی‌اعتمادی و رویاهای بر باد رفته تبدیل خواهد شد.

چگونه خانه‌دار شدن دهک‌های پایین جامعه تبدیل به یک رویا شد

اقتصادی | چهار سال پس از آغاز طرح نهضت ملی مسکن با وعده خانه‌دار شدن با آورده ۱۵۰ میلیون تومانی، حالا متقاضیان با صورت حساب‌هایی میلیاردی و اقساط سنگین مواجه‌اند. کم‌کاری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات و تورم افسارگسیخته، این طرح را از مسیر اولیه خارج کرده و رویای سرپناه برای اقشار متوسط و ضعیف را به کابوسی مالی تبدیل کرده است. پاییز ۱۴۰۰، طرح نهضت ملی مسکن با وعده‌هایی امیدبخش آغاز شد. وزیر وقت راه و شهرسازی، رستم قاسمی، اعلام کرده بود که تهرانی‌ها می‌توانند با تنها ۱۵۰ میلیون تومان آورده، صاحب خانه شوند. قرار بود این طرح پر دو پایه استوار باشد: آورده اندک متقاضیان و تسهیلات بانکی با بازپرداخت ۲۰ ساله. اما در شهر یور ۱۴۰۴، واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید.



نگاهی به بازار بانک‌داری و خرده‌فروشی، از موبایل تا طلا و پوشاک

مغازه‌داری در عصر یکه تازی تورم

ورود به بازار و صاحب مغازه شدن در برخی کاسبی‌ها نیازمند میلیاردها تومان سرمایه است

در اقتصادهایی که تورم مزمن به یک واقعیت روزمره تبدیل شده، الگوی انتخاب شغل نیز دستخوش تغییرات بنیادین می‌شود. افراد دیگر صرفاً به دنبال امنیت شغلی یا علاقه‌مندی نیستند، بلکه به دنبال مشاغلی می‌گردند که بتوانند از نوسانات قیمتی و افزایش هزینه‌ها، نه تنها آسیب نبینند بلکه سود ببرند. در چنین شرایطی، مشاغلی مانند مغازه‌داری، دلالتی کالا، خرید و فروش ارز و فعالیت در بازارهای مصرفی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند موبایل، طلا، پوشاک و لوازم خانگی، جذابیت بیشتری پیدا کرده‌اند. این مشاغل با قابلیت دیوای کالا، فروش شناور، و تطبیق سریع با نرخ تورم، عملاً به پناهگاه‌های اقتصادی در برابر کاهش قدرت خرید تبدیل شده‌اند. جامعه، به‌ویژه طبقات متوسط و فعالان اقتصادی خرد، به سمت این مشاغل حرکت کرده‌اند تا از تورم نه به عنوان تهدید، بلکه به عنوان فرصت استفاده کنند.

مونا موسوی
هفت صبح

راه‌اندازی یک واحد صنفی طلا در بازار بزرگ تهران یا خیابان کریم‌خان، سرمایه اولیه برای خرید طلا و جواهرات حداقل ۳۰۰ میلیون تومان برآورد می‌شود. این رقم بسته به نوع کالا (طلای خام، مصنوعات، جواهرات سنگین) می‌تواند تا ۵۰۰ میلیون تومان نیز افزایش یابد. اجاره مغازه در این مناطق نیز از مرز ۲۰۰ میلیون تومان در ماه عبور کرده و در برخی موارد، مغازه‌ها با ودیعه‌های چند میلیاردی و اجاره‌های توافقی واگذار می‌شوند.

در صنف پوشاک، به‌ویژه در حوزه برندهای خارجی با وارداتی، سرمایه اولیه برای خرید کالا بین ۵۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد تومان متغیر است. مغازه‌داران معمولاً کالا را از بازارهای مرزی یا عمده‌فروشان وارد می‌کنند و با چند برابر قیمت در مناطق شهری عرضه می‌کنند. در مراکز تجاری مانند پالادیوم، اگر با بازار چارسو، اجاره مغازه‌ها بین ۵۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان در ماه است و در برخی موارد، مبلغی به عنوان حق ورود یا شارژ ماهانه نیز دریافت می‌شود. در صنف لوازم خانگی، به دلیل حجم و قیمت بالای کالاها، اگرچه برای صاحبان صنف سودآور است، اما در غیاب نظارت موثر، می‌تواند به تشدید شکاف طبقاتی، افزایش فشار بر مصرف‌کننده و بی‌ثباتی در بازار منجر شود. اصلاح نظام مالیاتی، شفاف‌سازی تراکشن‌ها و نظارت بر قیمت‌گذاری، از جمله اقداماتی است که می‌تواند تعادل را به این بازار بازگرداند.

برخی پروژه‌ها، اقساط ماهانه تا ۸۰ میلیون تومان برآورد شده است؛ رقمی که نه تنها خارج از توان این خانوارهاست، بلکه حتی برای دهک‌های بالاتر نیز فشار قابل توجهی ایجاد می‌کند. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از متقاضیان، در حال حاضر تنها قادر به پرداخت اقساطی در حدود ۵ تا ۱۰ میلیون تومان در ماه هستند. این در حالی

اقساط سنگین و بلاتکلیفی متقاضیان

در بحران نهضت ملی مسکن، حالا مسئله توان پرداخت اقساط به یکی از چالش‌های جدی متقاضیان تبدیل شده است. بسیاری از ثبت‌نام‌کنندگان اولیه این طرح، از دهک‌های متوسط و پایین جامعه هستند؛ گروه‌هایی که درآمد‌های ماهانه بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان، عملاً توان پرداخت اقساط سنگین را ندارند. در

چگونه خانه‌دار شدن دهک‌های پایین جامعه تبدیل به یک رویا شد

اقساط ۸۰ میلیونی سهم متقاضیان مسکن ملی

اقتشاری که قرار بود با حمایت دولت صاحب سرپناه شوند، حالا در دام بدهی‌های سنگین افتاده‌اند

گروه اقتصادی | چهار سال پس از آغاز طرح نهضت ملی مسکن با وعده خانه‌دار شدن با آورده ۱۵۰ میلیون تومانی، حالا متقاضیان با صورت حساب‌هایی میلیاردی و اقساط سنگین مواجه‌اند. کم‌کاری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات و تورم افسارگسیخته، این طرح را از مسیر اولیه خارج کرده و رویای سرپناه برای اقشار متوسط و ضعیف را به کابوسی مالی تبدیل کرده است. پاییز ۱۴۰۰، طرح نهضت ملی مسکن با وعده‌هایی امیدبخش آغاز شد. وزیر وقت راه و شهرسازی، رستم قاسمی، اعلام کرده بود که تهرانی‌ها می‌توانند با تنها ۱۵۰ میلیون تومان آورده، صاحب خانه شوند. قرار بود این طرح پر دو پایه استوار باشد: آورده اندک متقاضیان و تسهیلات بانکی با بازپرداخت ۲۰ ساله. اما در شهر یور ۱۴۰۴، واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید.



میلیارد تومان است. فروشندگان در مناطقی مانند خیابان شریعتی یا میدان امام حسین، معمولاً با موجودی متنوع از برندهای داخلی و خارجی فعالیت می‌کنند. اجاره مغازه در این مناطق نیز بین ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان در ماه متغیر است.

در مجموع، ورود به مغازه‌داری در اصناف پر درآمد، نیازمند سرمایه‌ای سنگین و تحمل هزینه‌های جاری بالاست. این سرمایه‌گذاری، اگرچه در شرایط تورمی می‌تواند سودآور باشد، اما در غیاب نظارت دقیق، به بستری برای گران‌فروشی، احتکار و فشار بر مصرف‌کننده نیز تبدیل می‌شود. از این رو، شفاف‌سازی مالی، ساماندهی اجاره‌بها و نظارت بر قیمت‌گذاری، از جمله اقداماتی است که می‌تواند تعادل را به بازار بازگرداند و مانع از تبدیل مغازه‌داری به یک حوزه انحصاری برای سرمایه‌داران شود.

پیامدهای بلندمدت

شکاف طبقاتی و اقتصاد سوداگرانه

این تغییر جهت شغلی، اگرچه در ظاهر نشانه‌ای از سازگاری با شرایط اقتصادی است، اما در بلندمدت می‌تواند پیامدهای نگران‌کننده‌ای داشته باشد. تمرکز بیش از حد بر مشاغل تورم‌محور، موجب تضعیف بخش‌های مولد، کاهش سرمایه‌گذاری در تولید و گسترش رفتارهای سوداگرانه در اقتصاد می‌شود. از سوی دیگر، این روند شکاف طبقاتی را تشدید کرده و فشار بیشتری بر مصرف‌کنندگان وارد می‌کند. برای اصلاح این مسیر، باید سیاست‌های حمایتی از مشاغل مولد، کنترل دقیق بر قیمت‌گذاری، و ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های بلندمدت و پایدار در دستور کار قرار گیرد. جامعه‌ای که تورم را به ابزار سود تبدیل کند، در نهایت با بی‌ثباتی اقتصادی و تضعیف بنیان‌های توسعه مواجه خواهد شد. در مجموع، مغازه‌داری در شرایط تورمی نه تنها به یک شغل پر درآمد تبدیل شده، بلکه به بستری برای بهره‌برداری از نوسانات اقتصادی نیز بدل شده است. این وضعیت، اگرچه برای صاحبان صنف سودآور است، اما در غیاب نظارت موثر، می‌تواند به تشدید شکاف طبقاتی، افزایش فشار بر مصرف‌کننده و بی‌ثباتی در بازار منجر شود. اصلاح نظام مالیاتی، شفاف‌سازی تراکشن‌ها و نظارت بر قیمت‌گذاری، از جمله اقداماتی است که می‌تواند تعادل را به این بازار بازگرداند.

است که با توجه به افزایش هزینه ساخت، اقساط واقعی چند برابر این رقم شده و فاصله میان توان پرداخت و مبلغ مورد انتظار، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. برخی خانوارها برای تأمین آورده‌های جدید، ناچار به فروش دارایی‌های ضروری یا دریافت وام‌های غیررسمی با بهره‌های بالا شده‌اند؛ اقدامی که نه تنها فشار مالی را تشدید می‌کند، بلکه ریسک بدهکاری بلندمدت را نیز افزایش می‌دهد.

در این میان، نبود مدل‌های پرداخت منعطف و متناوب، توان اقتصادی متقاضیان، بحران را عمیق‌تر کرده است. طرحی که قرار بود با اقساط بلندمدت و نرخ بهره ترجیحی، مسیر خانه‌دار شدن را هموار کند، حالا با اقساطی مواجه شده که حتی در صورت تحویل واحد، پرداخت آن برای بسیاری غیرممکن خواهد بود. برخی کارشناسان پیشنهاد داده‌اند که دولت باید مدل‌های پلکانی یا پاره‌انه‌ای برای اقساط طراحی کند تا فشار مالی به تدریج و متناسب با رشد درآمد خانوارها اعمال شود.

در غیاب چنین راهکارهایی، بسیاری از متقاضیان در وضعیت بلاتکلیف قرار گرفته‌اند. نه توان انصراف دارند، چرا که آورده‌های اولیه را پرداخت کرده‌اند و نه توان ادامه مسیر، چون اقساط فراتر از توان اقتصادی‌شان است. این وضعیت، نه تنها اعتماد عمومی را تضعیف کرده، بلکه خطر افزایش پرونده‌های حقوقی، توقف پروژه‌ها و نارضایتی اجتماعی را نیز در پی دارد. در نهایت، اگر دولت نتواند مدل‌های پرداخت را با واقعیت‌های اقتصادی خانوارها تطبیق دهد، نهضت ملی مسکن به جای آنکه نماد عدالت اجتماعی باشد، به نمونه‌ای از شکاف میان سیاست‌گذاری و توان واقعی مردم تبدیل خواهد شد.

گزارش

وزارت صمت، شورای رقابت و سازمان حمایت هر یک ساز خود را می‌زنند

قیمت‌گذاری خودرو با سه ساز ناکوک

تهدید ایران خودرو به اعلام نرخ‌های مستقل، بازار را در آستانه بی‌ثباتی تازه قرار داده است

گروه اقتصادی | در شرایطی که بازار خودرو ایران با رکود، نوسان قیمت و بی‌اعتمادی مصرف‌کنندگان مواجه است، اختلاف‌نظر میان خودروسازان و نهادهای دولتی درباره نحوه قیمت‌گذاری، به یک بحران ساختاری تبدیل شده است. اظهارات اخیر قائم‌مقام ایران خودرو مبنی بر اعلام قیمت‌های جدید در صورت تعلل وزارت صمت، نشان‌دهنده تنش‌هایی است که می‌تواند بازار را بیش از پیش بی‌ثبات کند. بازار خودرو ایران در ماه‌های اخیر با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است؛ از رکود معاملات و کاهش قدرت خرید گرفته تا نوسانات ارزی و حباب قیمتی. در این میان، مسئله قیمت‌گذاری به یکی از گر‌های اصلی تبدیل شده که نه تنها مصرف‌کنندگان، بلکه تولیدکنندگان و نهادهای تنظیم‌گر را نیز درگیر کرده است. اظهارات قائم‌مقام ایران خودرو مبنی بر اینکه در صورت تعلل وزارت صمت، این شرکت از ظرفیت‌های قانونی برای اعلام قیمت‌های جدید استفاده خواهد کرد، نشان‌دهنده شکاف عمیق میان خودروسازان و سیاست‌گذاران است. این موضع‌گیری، در حالی مطرح می‌شود که وزارت صمت، شورای رقابت و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، هر یک رویکرد متفاوتی نسبت به قیمت‌گذاری دارند.

وزارت صمت: میان مداخله واگذاری

وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال‌های اخیر تلاش کرده تا با واگذاری بخشی از فرآیند قیمت‌گذاری به شورای رقابت، از فشار مستقیم بر خود بکاهد. با این حال، در مواردی که بازار دچار التهاب شده، این وزارت‌خانه بار دیگر وارد عمل شده و با ابلاغ قیمت‌های دستوری، سعی در کنترل بازار داشته است. این رفت‌وآمد میان مداخله و واگذاری، نه تنها باعث سردرگمی تولیدکنندگان شده، بلکه اعتماد عمومی به سازوکار قیمت‌گذاری را نیز تضعیف کرده است.

شورای رقابت: مدافع قیمت‌گذاری مبتنی بر فرمول

شورای رقابت، به‌عنوان نهاد مستقل تنظیم‌گر، بر استفاده از فرمول‌های مشخص برای تعیین قیمت خودرو تأکید دارد. این فرمول‌ها بر پایه نرخ تورم بخشی، هزینه‌های تولید و سود منطقی بنا شده‌اند. با این حال، خودروسازان بارها اعلام کرده‌اند که این فرمول‌ها با واقعیت‌های اقتصادی و هزینه‌های جاری تولید همخوانی ندارند و موجب زیان انباشته شرکت‌ها شده‌اند.

سازمان حمایت: ناظر بر حقوق مصرف‌کننده

در این میان، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز نقش نظارتی دارد و وظیفه دارد از منافع خریداران دفاع کند. این سازمان معمولاً در برابر افزایش‌های ناگهانی قیمت، موضع‌گیری می‌کند و خواستار شفاف‌سازی دلایل افزایش می‌شود. اما، ابزار اجرایی محدودی برای کنترل قیمت‌ها در اختیار دارد و بیشتر به‌عنوان ناظر عمل می‌کند تا تصمیم‌گیرنده.

خودروسازان: در جست‌وجوی استقلال قیمت‌گذاری

شرکت‌های خودروسازی، به‌ویژه ایران خودرو و سایپا، بارها اعلام کرده‌اند که قیمت‌گذاری فعلی پاسخگو به هزینه‌های تولید نیست و خواستار آزادی بیشتر در تعیین قیمت‌ها هستند. اظهارات اخیر قائم‌مقام ایران خودرو، در واقع تهدیدی ضمنی برای خروج از چارچوب‌های فعلی قیمت‌گذاری و اعلام نرخ‌های جدید به‌صورت مستقل است؛ اقدامی که در صورت اجرا، می‌تواند بازار را بشوک قیمتی مواجه کند.

پیامدهای احتمالی تعارض در قیمت‌گذاری

اگر قیمت‌گذاری خودرو به‌طور کامل در اختیار خودروسازان قرار گیرد، بازار با تحولات جدی و البته پرریسکی مواجه خواهد شد. نخستین پیامد این تصمیم، افزایش سریع و قابل توجه قیمت‌هاست؛ چرا که شرکت‌های تولیدکننده، با استناد به هزینه‌های جاری تولید، تورم‌دهنده‌های صنعتی و زیان انباشته نرخ‌هایی را اعلام خواهند کرد که فاصله زیادی با قیمت‌های فعلی دارد. این افزایش، در شرایطی که بازار در رکود به سر می‌برد، می‌تواند تقاضا را بیش از پیش کاهش دهد و عملاً معاملات را به حداقل برساند. از سوی دیگر، حذف نهادهای تنظیم‌گر از فرآیند قیمت‌گذاری، به معنای کاهش شفافیت و نظارت است. در چنین فضایی، احتمال شکل‌گیری قیمت‌های غیرعادی، رقابت ناسالم و حتی رانت‌زایی افزایش می‌یابد. مصرف‌کننده، که پیش‌تر با قیمت‌های مصوب و قابل پیش‌بینی مواجه بود، حالا با نرخ‌هایی روبه‌رو خواهد شد که ممکن است در هر دوره تغییر کند و هیچ مرجع مستقلی برای بررسی و اعتراض وجود نداشته باشد.

در مقابل، اگر فرآیند قیمت‌گذاری همچنان تحت نظارت نهادهایی مانند شورای رقابت و سازمان حمایت باقی بماند، بازار از یک چارچوب قانونی و قابل کنترل برخوردار خواهد بود. شورای رقابت با استفاده از فرمول‌های مشخص، تلاش می‌کند قیمت‌ها را متناسب با تورم بخشی و هزینه‌های تولید تعیین کند. هر چند این فرمول‌ها گاهی با اعتراض خودروسازان مواجه می‌شوند، اما در نهایت، نوعی تعادل نسبی میان منافع تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد می‌کند.

سازمان حمایت نیز با نقش نظارتی خود، می‌تواند مانع از افزایش‌های ناگهانی و بی‌ضابطه شود و حقوق مصرف‌کننده را در برابر نوسانات بازار حفظ کند. البته این مدل نیز نیازمند اصلاحاتی است؛ از جمله به‌روزرسانی فرمول‌های قیمت‌گذاری، افزایش شفافیت در محاسبه هزینه‌ها و تعامل بیشتر با تولیدکنندگان برای درک واقعیات اقتصادی صنعت خودرو. در مجموع، واگذاری کامل قیمت‌گذاری به خودروسازان، اگر بدون نظارت و چارچوب مشخص باشد، می‌تواند به بی‌ثباتی بازار، افزایش نارضایتی عمومی و تعمیق رکود منجر شود. در مقابل، حفظ نقش نهادهای تنظیم‌گر، با اصلاح سازوکارها و افزایش شفافیت، می‌تواند مسیر منطقی‌تری برای کنترل بازار و حفظ تعادل میان تولید و مصرف باشد. این انتخاب، نه فقط یک تصمیم اقتصادی، بلکه یک آزمون اعتمادسازی در بازار خودرو ایران خواهد بود.

در شرایطی که بازار خودرو با رکود مواجه است و مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت‌های بالا از خرید عقب‌نشینی کرده‌اند، هر گونه افزایش قیمت بدون هماهنگی، می‌تواند به تشدید رکود و افزایش نارضایتی عمومی منجر شود. از سوی دیگر، تأخیر در اعلام قیمت‌های جدید نیز باعث بلاتکلیفی در بازار، توقف معاملات و افزایش فعالیت‌های سوداگرانه خواهد شد.

حل بحران قیمت‌گذاری خودرو نیازمند یک سازوکار شفاف، قابل پیش‌بینی و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی است. تساهماتی که نهادهای تنظیم‌گر و تولیدکنندگان به توافقی پایدار نرسند، بازار خودرو ایران در وضعیت بی‌ثباتی باقی خواهد ماند و مصرف‌کنندگان، قربانی اصلی این تعارض خواهند بود.



حسین فاطمی

هفت صبح

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید هشت ماه پیش، آمریکا را وارد فصل تازه‌ای از بحران سیاسی و اجتماعی کرده است؛ به‌ویژه با سیاست تازه او در استقرار نیروهای گارد ملی و مأموران فدرال در شهرهای بزرگ تحت اداره دموکرات‌ها، واشنگتن دی‌سی، شیکاگو و لس‌آنجلس نخستین هدف این سیاست بودند. ترامپ مدعی شد که هدف از این اقدامات مقابله با جرایم خشونت‌آمیز و حفظ نظم و امنیت است، اما داده‌های وزارت دادگستری نشان می‌دهد که میزان جرم و جنایت در این شهرها به پایین‌ترین سطح سه دهه گذشته رسیده است. این تصمیم باعث شد هزاران شهروند آمریکایی، از جمله مهاجران و حامیان حقوق اقلیت‌ها، در خیابان‌ها تجمع کنند و شعارهایی نظیر «ترامپ باید برود» و «دی‌سی آزاد» سر دهند. در مقابل، برخی ساکنان مناطق پر جرم و فقیر تر از حضور نیروهای نظامی استقبال کردند. همین شکاف، نشان می‌دهد که سیاست نظامی‌گری داخلی ترامپ جامعه آمریکا را قطبی‌تر کرده و تعادل بین امنیت و آزادی‌های مدنی را تهدید می‌کند.

بحران سیاسی؛ برخورد دولت فدرال با ایالت‌ها و چالش مشروعیت
استقرار نیروهای نظامی و فدرال در ایالت‌هایی تحت اداره دموکرات‌ها، تنش‌های سیاسی شدیدی ایجاد کرده است. فرمانداران و شهرداران ایالتی مانند ایلینوی و کالیفرنیا این اقدامات را نقض قانون اساسی و اختیارات ایالتی دانستند. جی. بی. پریتر کر، فرماندار ایلینوی، تأکید کرده که دولت فدرال بدون درخواست مقامات محلی اقدام به اعزام نیرو کرده و این خود «سوءاستفاده از قدرت» محسوب می‌شود. رهبران دموکرات، از جمله حکیم جفریز، ترامپ را به «بحران‌سازی» و «بازی با جان آمریکایی‌ها» متهم کرده‌اند. این شکاف میان دولت فدرال و ایالت‌ها نشان می‌دهد که ادامه چنین سیاستی می‌تواند ساختار فدرالی آمریکا را به چالش بکشد و احتمالاً باعث تقابل حقوقی گسترده، محدودیت اختیارات دولت مرکزی و افزایش بحران مشروعیت سیاسی شود.

پیامدهای اجتماعی؛ اعتراضات گسترده و قطبی شدن جامعه
سیاست ترامپ باعث افزایش ناراضیاتی عمومی و اعتراضات گسترده شده است. هزاران نفر در واشنگتن دی‌سی، شیکاگو و سایر شهرها علیه استقرار گارد ملی و نیروهای فدرال تظاهرات کردند. حضور نیروهای نظامی در خیابان‌ها و کنترل مستقیم اداره پلیس محلی، مردم را نگران ایجاد یک فضای شبیه‌نظامی و استبدادی کرده است. تحلیلگران بر این باورند که اگر ترامپ در سه سال آینده همین فرمان را ادامه دهد، شکاف‌های اجتماعی و نژادی در آمریکا عمیق‌تر خواهد شد. گروه‌های مختلف اجتماعی، از مهاجران گرفته تا جوانان و حامیان حقوق اقلیت‌ها، ممکن است دست به اعتراضات گسترده بزنند و این امر منجر به آشفتگی و بی‌ثباتی در زندگی روزمره مردم شود. همزمان، تقابل میان هواداران ترامپ و مخالفان او می‌تواند به افزایش خشونت‌های خیابانی و بحران‌های محلی منجر شود.



تنش بی‌سابقه میان ترامپ و مخالفانش

دموکرات‌ها

در محاصره گارد ملی

اعزام نیروهای فدرال به شهرهای دموکرات‌نشین شکاف عمیقی میان دولت فدرال و ایالت‌ها ایجاد کرده است

حضور نیروهای نظامی فدرال در مناطق شهری، دچار اختلال در نظم عمومی و افزایش تنش‌های محلی شوند. چهارم، فضای اقتصادی کشور نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. حضور نیروهای نظامی در خیابان‌ها و ایجاد موانع در فعالیت‌های روزمره کسب‌وکار، می‌تواند باعث اختلال در تجارت و کاهش سرمایه‌گذاری شود. اقتصاد شهری، به‌ویژه در مناطق پرجمعیت و صنعتی، به ثبات اجتماعی وابسته است و هر گونه بحران امنیتی یا اعتراض گسترده می‌تواند بازار کار، گردشگری، خدمات شهری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را تحت فشار قرار دهد.

پنجم، بحران حقوقی و چالش فدرالیسم می‌تواند ساختار سیاسی آمریکا را به شدت تحت فشار قرار دهد. فرمانداران دموکرات و مقامات محلی تاکنون با شکایت‌های حقوقی و اعتراض‌های رسمی، تلاش کرده‌اند جلوی اقدامات فدرال را بگیرند. ادامه این سیاست ممکن است به پرونده‌های حقوقی پیچیده و طولانی منجر شود که خود می‌تواند باعث افزایش تنش‌های سیاسی و کاهش اعتبار نهادهای اجرایی شود.

در مجموع، سیاست نظامی‌گری داخلی ترامپ نه تنها امنیت شهری و نظم اجتماعی را تحت فشار قرار داده، بلکه ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آمریکا را نیز تهدید می‌کند. ادامه این روند در سه سال آینده می‌تواند ایالات متحده را وارد دوره‌ای از بحران و بی‌ثباتی گسترده کند؛

بحرانی که پیامدهای آن محدود به مرزهای داخلی نخواهد بود و موقعیت بین‌المللی و جایگاه جهانی آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. این وضعیت ضرورت بازنگری در سیاست‌های اجرایی و تقویت همکاری میان دولت فدرال و مقامات محلی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. هزاران نفر در واشنگتن دی‌سی، شیکاگو و سایر شهرها علیه استقرار گارد ملی و نیروهای فدرال تظاهرات کردند. حضور نیروهای نظامی در خیابان‌ها و کنترل مستقیم اداره پلیس محلی، مردم را نگران ایجاد یک فضای شبیه‌نظامی و استبدادی کرده است

اقتصاد شهری، به‌ویژه در مناطق پرجمعیت و صنعتی، به ثبات اجتماعی وابسته است و هر گونه بحران امنیتی یا اعتراض گسترده می‌تواند بازار کار، گردشگری، خدمات شهری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را تحت فشار قرار دهد. برخساکنان مناطق فقیرتر از حضور نیروهای نظامی استقبال کردند. همین شکاف، نشان می‌دهد که سیاست نظامی‌گری داخلی ترامپ جامعه آمریکا را قطبی‌تر کرده و تعادل بین امنیت و آزادی‌های مدنی را تهدید می‌کند.



بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید هشت ماه پیش، آمریکا را وارد فصل تازه‌ای از بحران سیاسی و اجتماعی کرده است؛ به‌ویژه با سیاست تازه او در استقرار نیروهای گارد ملی و مأموران فدرال در شهرهای بزرگ تحت اداره دموکرات‌ها



گزارش

اقدامات نظامی و شعارهای ملی گرایانه تر کیه؛ ابزاری برای منحرف کردن افکار عمومی از بحران داخلی اردوغان و بازی قدرت در شمال شام

تثبیت نفوذ سیاسی با تمرکز بر حلب و مناطق کردنشین از اهداف مهم آنکارا در مناطق شمالی سوریه است

در شرایطی که منطقه خاورمیانه فضای حساس و در عین حال شکننده‌ای را تجربه می‌کند، رسانه‌های تحلیلی تأکید دارند که اقدامات اخیر ترکیه در غرب آسیا و مشخصاً سوریه بیش از آنکه صرفاً سیاست خارجی باشد، ابزاری برای منحرف کردن توجه از بحران‌های داخلی به‌ویژه رکود اقتصادی است. اظهارات رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در بزرگداشت سالروز نبرد «ملازگرد» نمونه‌ای آشکار از این رویکرد است. جمله معروف او «مانی که شمشیر از نیام بیرون بیاید، جایی برای قلم و سخن باقی نمی‌ماند» نه تنها یک لفاظی تاریخی، بلکه نمایانگر دستور کار نظامی و تلاش برای بازتنظیم قدرت سیاسی در سوریه است.

این سخن در زمینه سیاست جدید دولت ترکیه در قبال کردها تحت عنوان «ترکیه عاری از تروریسم» مطرح شد و بیانگر خط مشی اردوغان برای اعمال فشار نظامی و امنیتی در شمال سوریه است. رسانه‌ها معتقدند هدف این استراتژی دوگانه است: از یک طرف سرکوب مخالفان داخلی و از طرف دیگر ایجاد تصویری از قدرت ملی ترکیه در صحنه منطقه‌ای. از این منظر، اقدامات نظامی و سخنان ملی‌گرایانه اردوغان به عنوان پوششی برای بحران‌های اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی داخلی عمل می‌کند. نشریه کریدل همچنین اشاره دارد که ترکیه از بی‌ثباتی ناشی از تشدید تنش‌ها در سوریه و اقدامات اسرائیل به نفع خود استفاده می‌کند. آنکارا با بهره‌گیری از این فضا می‌تواند واکنش بازیگران اصلی منطقه‌ای از جمله روسیه، آمریکا و ایران را بسنجد و نفوذ خود را در مناطق حساس مانند حلب گسترش دهد بدون آنکه مستقیماً با تل‌آویو درگیر شود. این استراتژی، نمونه‌ای از رویکرد هوشمندانه ترکیه در ترکیب قدرت نظامی و دیپلماسی نمادین است.

اهداف راهبردی آنکارا در حلب و شمال سوریه

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که محور اصلی سیاست ترکیه در سوریه به معطوف به حلب و مناطق کردنشین شمال سوریه است. اردوغان با چشم‌انداز انتخابات زودهنگام، به دنبال یک موقعیت در سیاست خارجی است تا بحران‌های داخلی، به‌ویژه رکود اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار دهد. به گفته کریدل، اقدامات سلبابیک و ابتکارات صلیبی که دولت ترکیه معرفی می‌کند، در واقع تلاش‌هایی برای منحرف کردن افکار عمومی از مسائل داخلی است و هدف واقعی، تثبیت نفوذ ترکیه در این مناطق و بازترسیم مرزهای سیاسی و نظامی است.

دو سناریوی احتمالی برای این سیاست وجود دارد. سناریوی اول شامل عملیات مشترک نیروهای مسلح ترکیه و ارتش سوریه برای ایجاد گردگاهی به مرکز حلب است که به یک پیروزی ملی‌گرایانه تبلیغاتی برای اردوغان منجر می‌شود. سناریوی دوم، رادیکال‌تر و شامل برگرازی فراندوم در حلب و شمال سوریه تحت کنترل ترکیه است که به توقیف انداختن انتخابات و تقویت مشروعیت سیاسی دولت اردوغان کمک می‌کند. در هر دو سناریو، حزب حاکم «عدالت و توسعه» به دنبال بازترسیم نقشه سیاسی ترکیه و تثبیت جایگاه خود در منطقه است.

حضور ترکیه در حلب و شمال سوریه به‌تنها اهداف نظامی و سیاسی دارد، بلکه منافع اقتصادی و انرژی را نیز دربر می‌گیرد. این مناطق از لحاظ کشاورزی، مسیرهای تجاری و گذرگاه‌های انرژی اهمیت استراتژیک دارند. بنابراین سیاست ترکیه در این مناطق می‌تواند علاوه بر امنیت ملی، استقلال اقتصادی و دسترسی به منابع انرژی را نیز تضمین کند.

پیامدها و چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

با وجود فرصت‌های موجود، اجرای سیاست ترکیه در سوریه با چالش‌ها و پیامدهای گسترده‌ای همراه است. تغییر مرزها و استقرار نظامی ترکیه در مناطق تحت کنترل شمال سوریه با محدودیت‌های قوانین بین‌المللی و رقابت‌های ژئوپولتیکی مواجه است. هرگونه اقدام نظامی برای بازترسیم مرزها با واکنش شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده روبه‌رو خواهد شد و می‌تواند ثبات شکننده منطقه را به مخاطره اندازد.

از سوی دیگر، معادلات میدانی نیز پیچیده است. بقایای ساختار دولت سابق سوریه، حضور شبه‌نظامیان کرد تحت حمایت غرب، اختلافات قومی با اقلیت دروزی و نیروهای روسیه و ایران، شرایط اجرای سیاست ترکیه را دشوار می‌کند. این تنوع بازیگران و رقابت‌ها می‌تواند هر اقدام نظامی را به یک درگیری گسترده‌تر تبدیل کند.

با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ترکیه با بهره‌گیری از این بی‌ثباتی، می‌تواند توجه‌ها را از بحران داخلی منحرف کند و از احساس محاصره شدن به عنوان یک ابزار سیاسی بهره‌برد. دیپلماسی در چنین شرایطی بیشتر جنبه نمایشی پیدا می‌کند و تصمیم‌گیری نهایی بر اساس کنترل میدانی، پایگاه‌های نظامی و تغییرات مرزی تعیین می‌شود. نه مذاکرات یا بیانیه‌های رسمی. در نهایت، ترکیه تلاش می‌کند بلندپروازی‌های ژئوپولتیکی خود را در قالب یک مأموریت مقدس تاریخی و سیاسی توجیه کند و جایگاه خود را در شمال سوریه تثبیت کند.



یادداشت

کابینه نتانیاهو در بن‌بست تمام‌عیار

تاج سوخته «بی‌بی»
اختلافات درون کابینه و بی‌برنامگی اپوزیسیون، آینده سیاسی نخست‌وزیر اسرائیل را مبهم کرده است

گروه سیاسی

ا

با توجه به وضعیت شکننده این روزها در سرزمین‌های اشغالی، روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» در گزارشی تحلیلی به شرایط کنونی سیاسی و اقتصادی اسرائیل پرداخته و وضعیت کابینه بنیامین نتانیاهو را بحرانی ارزیابی کرده است. طبق این گزارش، طرح‌های اقتصادی و امنیتی کابینه فاقد چشم‌انداز روشن و عملیاتی بوده و از ابتدا تناسبی با واقعیت‌های موجود ندارد. برنامه‌های اعلام شده برای اعمال حاکمیت نظامی نامحدود در نوار غزه، در حالی که اقتصاد اسرائیل با رکود و فروپاشی بخش‌های تجاری کلان مواجه است، بار مالی هنگفتی بر دوش دولت و مردم خواهد گذاشت. منابع مالی داخلی هشدار داده‌اند که بودجه مورد نیاز این طرح‌ها پیش‌بینی نشده و شهروندان صهیونیست با بدهی‌های انباشته و مالیات‌های جدید مواجه خواهند شد. این بحران اقتصادی همزمان با فشارهای سیاسی داخلی و اختلافات کابینه، شرایطی

گروه سیاسی

ا

با توجه به وضعیت شکننده این روزها در سرزمین‌های اشغالی، روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» در گزارشی تحلیلی به شرایط کنونی سیاسی و اقتصادی اسرائیل پرداخته و وضعیت کابینه بنیامین نتانیاهو را بحرانی ارزیابی کرده است. طبق این گزارش، طرح‌های اقتصادی و امنیتی کابینه فاقد چشم‌انداز روشن و عملیاتی بوده و از ابتدا تناسبی با واقعیت‌های موجود ندارد. برنامه‌های اعلام شده برای اعمال حاکمیت نظامی نامحدود در نوار غزه، در حالی که اقتصاد اسرائیل با رکود و فروپاشی بخش‌های تجاری کلان مواجه است، بار مالی هنگفتی بر دوش دولت و مردم خواهد گذاشت. منابع مالی داخلی هشدار داده‌اند که بودجه مورد نیاز این طرح‌ها پیش‌بینی نشده و شهروندان صهیونیست با بدهی‌های انباشته و مالیات‌های جدید مواجه خواهند شد. این بحران اقتصادی همزمان با فشارهای سیاسی داخلی و اختلافات کابینه، شرایطی

فاقد اتحاد و برنامه سیاسی مشخص برای مقابله با نتانیاهو بوده و صرفاً به اختلافات داخلی و اعتراضات گرفته است. روایت رسمی دولت درباره بازگرداندن اسرای صهیونیست با واقعیت سازگار نیست؛ ارتش اسرائیل از ابتدا عملیات‌های نظامی خود را انجام داده و آزادی اسرا بیشتر بر اساس قراردادهای غیرنظامی حماس صورت گرفته است. این مسئله به شکل گسترده‌ای اعتماد عمومی نسبت به کابینه را کاهش داده و احساس ناتوانی دولت در حفاظت از شهروندان و اسرای خود را تقویت کرده است.

چالش‌های اجتماعی و سیاسی داخلی

تحلیلگران اسرائیلی بر این باورند که سیاست‌های کنونی نتانیاهو بیش از آنکه معطوف به اداره کشور و آمادسازی برای انتخابات آینده باشد، به نوعی نزاع شخصی و رقابت با مخالفان داخلی و مردم تبدیل شده است. طی جنگ جاری با غزه، تعداد تلفات ارتش به حدود ۹۰۰ نفر و هزاران زخمی رسیده و پرونده اسرا همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد. این وضعیت باعث افزایش نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی نسبت به دولت شده است. از سوی دیگر، اپوزیسیون اسرائیل نیز عملکرد مؤثری نداشته است. تحلیلگران اسرائیلی معتقدند اپوزیسیون

پنیر و دیپلماسی؛ سفره‌ای برای صلح

فرانسه در تلاش است تا با ابزارهایی مانند پنیر، تصویر عمومی از کار دیپلمات‌ها را بهبود بخشد



فرانسوی‌ها به پنیرشان همانقدر افتخار می‌کنند که به ادبیات، هنر و انقلاب‌های‌شان. پنیر نه‌تنها بخشی جدانشدنی از سفره‌های خانوادگی است، بلکه اکنون به نمادی از «قدرت نرم» بدل شده که وزارت خارجه فرانسه می‌کوشد آن را به خدمت دیپلماسی بگیرد. به همین دلیل، «دیپلماسی از رهگذر پنیر» عنوان یکی از میزگردهای اصلی رویداد تازه‌ای است که با نام «کارخانه دیپلماسی» در پاریس آغاز به کار کرده؛ رویدادی دو روزه که هدفش نه‌تنها نمایش نمادین، بلکه ترمیم تصویر دیپلماسی در افکار عمومی است.

❖ دیپلماسی پشت نقاب کلیشه‌ها

سال‌هاست که دیپلمات‌ها در ذهن بسیاری، نمایندگانی در لباس‌های شیک و افرادی عصارهٔ قدرت داده‌اند که میان پذیرایی‌های مجلل، با دست‌های گره کرده ایستاده‌اند؛ تصویری که سرریال‌هایی چون «دیپلمات» در شبکه‌های جهانی نیز بازتولید کرده‌اند اما واقعیت، بنسأ به گفته کارشناسانی چون کلود فرانس آرنولد، سفیر پیشین فرانسه در بروکسل، فاصله‌ای جدی با این تصور دارد: دیپلماسی امروز ترکیبی است از مدیریت پرونده‌های اداری، مذاخله در بحران‌ها و ترویج اقتصاد، فرهنگ و زبان در عرصه جهانی و فردی را می‌طلبد که شبیه ما باشد، شبیه یک فرد معمولی با عادات و اخلاق و واکنش‌های قابل انتظار.

❖ چرا اکنون؟

در دورانی که سایه جنگ دوباره به خاک اروپا بازگشته و کشورهای مختلف این قاره هر روز از جانب یکی از مقامات روسیه به نابودی تهدید می‌شوند، خاورمیانه در آتش درگیری می‌سوزد، روابط چین و آمریکا با سیاست‌های تلافی‌جویانه پر تنش‌تر شده و بحران اقلیمی نفس جهان را تنگ کرده، وزارت خارجه فرانسه تأکید می‌کند که کار دیپلمات‌ها بیش از هر زمان دیگری حیاتی است. با این حال، افکار عمومی نه‌تنها با این نقش بیگانه‌اند، بلکه گاه به کل از اهمیت آن غافلند یا با عینک بدبینی و بی‌اعتمادی به این افراد نگاه می‌کنند، چراکه دیپلمات خوب از منظر انسان‌ها، دیپلماتی ریاکار و حيله‌گر است.

عکس روز

صلح در تنگنا: غزه در برابر اشغالگری

حماس با شجاعت برای آتش‌بس بلندمدت و آزادی گروگان‌ها اعلام آمادگی کرده است



در تازه‌ترین تحولات، حماس روز یکشنبه بار دیگر بر عزم راسخ خود برای حفظ سلاح تا تحقق کشور

مستقل فلسطینی تأکید کرد اما در عین حال برای آتش‌بس طولانی مدت و آزادی همه گروگان‌ها، اعم از زنده و کشته‌شده، اعلام آمادگی کرد. این موضع در حالی مطرح شد که مذاکرات صلح با میانجی‌گری استیو ویتکاف، فرستاده آمریکا، به دلیل کارشکنی‌های اسرائیل به بن‌بست رسیده است. مردم غزه در برابر اشغالگری و حملات بی‌رحمانه همچنان مقاومت می‌کنند. حماس به عنوان نماینده این مردم، از حقوق مشروع فلسطینیان دفاع می‌کند.

❖ طرح پیشنهادی آمریکا

طرح آمریکا که هفته گذشته به حماس ارائه شد، شامل آزادی ۴۸ گروگان اسرائیلی در ازای توقف درگیری‌ها و پایان عملیات اشغالگرانه ارتش اسرائیل در غزه است. این طرح همچنین آزادی ۲۵۰۰ تا ۳ هزار زندانی فلسطینی، از جمله محکومان به حبس ابد در زندان‌های رژیم صهیونیستی را در بر می‌گیرد و مذاکرات برای پایان جنگ را پس از آتش‌بس پیشنهاد می‌کند. حماس با پذیرش این طرح، حسن‌نیت خود را نشان داد اما

کیوسک



فابننشال تایمز انگلیس، تیتز اصلی خود را به رابطه نزدیک غول انرژی روسیه با چین و دوری از اروپا اختصاص داد.

<

مورنینگ استار انگلیس، در تیتز اصلی خود می‌گوید بیش از ۸۹۰ نفر از معتزضین به جنایات اسرائیل در لندن دستگیر شدند.

چهار گوشه جهان

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۳۳ | شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴



برایان کرنستون، ستاره‌ای که با «برکینگ بد» جهان را تسخیر کرد، در مراسم امی هنرهای خلاقه ۲۰۲۵ بار دیگر درخشید و برای بازی در سریال «استودیو» هفتمین جایزه امی خود را به خانه برد. این بازیگر ۶۹ ساله، در نقش گریفین میل، مدیرعامل عجیب‌وغریب استودیوی خیالی، با اجرایی خیره‌کننده رقبای سرسختی چون مارتین اسکورسیزی و ران هاوارد را پشت سر گذاشت. کرنستون که پیش‌تر برای ایفای نقش والتر وایت در «برکینگ بد» چهار امی بازیگری و دو امی تهیه‌کنندگی کسب کرده بود، با این جایزه جایگاه خود را به‌عنوان غولی در تلویزیون تثبیت کرد. غول‌های بازیگری چون رابرت دنیرو و مریل استریپ نیز بارها هنر کرنستون را ستوده‌اند. دنیرو او را «استادی در انتقال احساسات پیچیده» خوانده و استریپ بازی‌اش را «نمایشگری بی‌نقص از روح انسانی» توصیف کرده است.

بنگه دنیا

بهشت ۵۰ هزار دلاری تنهایی لوکس

نگاهی به ماجرای اقامتگاه کیپ‌کاد، ساحل لوکس، اقامتگاه چاتم و سوئیت رئیس‌جمهور



این مکان به اصلی‌ترین و البته لوکس‌ترین اقامتگاه است که شهر بدل شده و میزبان بسیاری از افراد سرشناس کشور از جمله رئیس‌جمهور بوده است. این اقامتگاه با حفظ معماری و حال و هوای دنیای ۱۰۸ سال پیش به مکانی با اتاق‌های مجلل، رستوران‌های هیجان‌انگیز و استراحتگاه‌های اختصاصی بدل شده است.

❖ فرصتی برای تنهایی

وسعت اقامتگاه چاتم بالغ بر ۱۰۰ هزار متر مربع است که ۲۱۷ اتاق مجزا در آن قرار دارد. هر اتاق در واقع خانه‌ای با سقف شیروانی است که بر حسب نوع امکانات داخلی‌اش، قیمت متفاوتی دارد. لوکس‌ترین اتاق این اقامتگاه به سوئیت رئیس‌جمهور مشهور است. گفتنی است سوئیت رئیس‌جمهور برای اقامت ۲ نفر در نظر گرفته شده و حداقل زمان برای رزرو این اتاق ۵ شب است. هزینه اقامت در این سوئیت به امکاناتی که در طول سفر از آن استفاده می‌کنید بستگی دارد اما دست‌کم اقامت ۵ شبه در آن ۵۰ هزار دلار قیمت‌گذاری شده است. استفاده از زمین تنیس اختصاصی، استراحتگاه‌ها و چادرهای ساحلی، تماشای نهنگ و خرچنگ‌های سفید و چشیدن غذاهای خاص و ویژه دریایی که توسط اندرو چادویک، سرآشپز مشهور آمریکایی طبخ شده‌اند از امکانات این مجموعه به شمار می‌روند.

❖ تفریحات جانبی

ساکنان چاتم می‌توانند به طور رایگان در کلاس‌های آموزش آشپزی دریایی شرکت کنند و با گذراندن این دوره، مدرک رسمی دریافت کنند. به علاوه به محض ورود به اقامتگاه، یک خودروی لکسوس همراه با یک راننده اختصاصی در اختیار هر کدام از ساکنین قرار می‌گیرد.

❖ مجتمع‌کندی‌ها

اگر بخواهیم نام افراد سرشناسی که در کیپ‌کاد خانه دارند را بنویسیم، فهرست بلندبالایی از آب درمی‌آید اما در این بین می‌توان به مشهورترین خانه این شهر ساحلی اشاره کرد. مجتمع‌کندی‌ها، ملکی است که ۳ خانه بزرگ و مجزا در کنار بندر هیناس تشکیل شده و محل رفت و آمد بسیاری از سیاستمداران مشهور آمریکایی بوده که نام خانوادگی‌کندی را یدک می‌کشیدند. گفتنی است جان اف‌کندی، رئیس‌جمهور مقتول آمریکا، تابستان‌های متعددی را در این خانه‌ها گذرانده و در دوران حضورش در کاخ سفید نیز از این محل به عنوان کاخ تابستانی خود استفاده می‌کرد. علاقه او به کیپ‌کاد سبب شد تا در سال ۱۹۶۰ این ساحل را به فهرست سواحل ملی آمریکا اضافه کند.

❖ شکارگاه لوکس

گونه‌های حیوانی بسیاری، از انواع ماهیان و آبی‌زان گرفته تا طیف وسیعی از چهارپایان، در کیپ‌کاد به چشم می‌خورند و همین امر به بهانه‌ای تبدیل شده بود که شکارچیان متعددی در قرن‌های گذشته به این شهر سفر کنند. در سال ۱۹۱۴ شکارگاه لوکسی برای اقامت شکارچیان تأسیس شد که «چاتم» نام داشت. امروز

❖ جایی برای آرمدین

به طور معمول افرادی که مشاغل سخت و پر تنش را تجربه می‌کنند یا کسانی که در زمرة افراد مشهور قرار دارند و نمی‌توانند به راحتی در اماکن شلوغ و پر رفت و آمد تردد کنند، به دنبال نقطه‌ای می‌گردند که در آن به معنای دقیق و وسیع کلمه تنها باشند و در فرصتی که برای دوری از هیاهو برای‌شان فراهم شده است، استراحت کنند. کیپ‌کاد یکی از همین اماکن است و در طول ۱۰۰ سال گذشته مانند آنتربایی عمل کرده که روسای جمهور، ثروتمندان و صاحبان کسب و کارهای بزرگ آمریکا و افراد مشهور را به خود جذب کرده و فرش قرمز همواره برای این افراد پهن است. البته با گسترش فضای مجازی و ظهور شبکه‌های اجتماعی در دهه اخیر، سفر به کیپ‌کاد نیز به نمادی برای به رخ کشیدن ثروت و مکتت افراد تبدیل شده و این شهر تابستان‌های شلوغ‌تری را نسبت به دهه‌های پیشین تجربه می‌کند.

❖ خانه‌های خاکستری

کیپ‌کاد شهر ملوانان بود و در فواصل طولانی و دوره‌هایی که این افراد دل به دریا می‌زدند، همسر

❖ ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



برندگان جوایز ام‌تی‌وی وی‌ام‌ای ۲۰۲۵: ریکی مار تین و لیدی گاگا درخشیدند



در مراسم اهدای جوایز موزیک ویدیوی ام‌تی‌وی که یکشنبه شب برگزار شد، ستارگان موسیقی در رقابتی آرام‌تر از سال‌های گذشته جوایز ارزشمند را به خانه بردند. لیدی گاگا با دریافت جایزه «هنرمند سال» پس از ۱۲ نامزدی از رقبایی مانند تیلور سوئیفت، بدبانی و بیانسه که حضور نداشتند، پیشی گرفت. او این جایزه را به همسرش مایکل پولانسکی تقدیم کرد و گفت: «این جایزه برایم بسیار ارزشمند است. امیدوارم همه ما یادمان باشد که هنر چگونه به زندگی‌مان معنا می‌بخشد.» سابرینا کارپنتر نیز شب موفقی داشت و جوایز «بهترین هنرمند پاپ» و «بهترین آلبوم سال» را برای آلبوم «کوتاه و دلنشین» دریافت کرد. آریانا گراندۀ نیز جوایز «بهترین ویدیوی پاپ» و «ویدیوی سال» را به دست آورد. ریکی مار تین برای اولین بار جایزه «ماد لاتین» را دریافت کرد و با اجرای ترانه‌های خاطره‌انگیز «زندگی دیوانه‌وار» و «ماریا» صحنه را به تسخیر درآورد. او با هیجان گفت: «این جایزه متعلق به شماس. تشویق‌های شما دلیل بازگشت من است.»

پن‌روز



نمایش پر زرق و برق داعیه‌داری آنچه ریکی جرویس کم‌دین بریتانیایی پنج سال پیش بر صحنه گلدن گلوب گفت، بسیاری را متعجب کرد. از چهره تام هنکس که در رسانه‌های مختلف جهان بازتاب داده شد تا چهره متعجب رئیس کمپانی اپل که موردنقد مستقیم قرار گرفته بود. آنچه جرویس گفت با همه سر و صدایی که برپا کرد، پایانی برای نمایش پر زرق و برق داعیه‌داری سلبریتی‌ها نشد. همان‌طور که تقد‌های تند به چهره‌های مشهور ایرانی، هیچ‌گاه آنان را در هنر صرف محدود نکرد. همان‌قدر که حتی بعد از عیان شدن معامله‌های پشت‌پرده‌ای، دست از نقد‌های سیاسی برنداشتند.

از گلدن گلوب تا صداوسیما این پدیده تازه شیوع یافته‌ای نیست. هنرمندان از صحنه گلدن گلوب تا صداوسیما و پلتفرم‌های ایرانی، برای ماندگاری هر چیزی را تبدیل به کالایی مصرفی می‌کنند. اگر روزی نقد به ناکارآمدی دولت‌ها یا سیاست‌های کلان‌شان مردم را جلب کند، آنان سیاستمداران و منتقدانی کارکشته می‌شوند. اگر روزی غزه موضوع جهانی باشد و حواس مخاطب را به آن‌ها جمع کند، نقابی از انسانیت و آزادی بر چهره می‌زنند. اگر روزی فشار اقتصادی مردم را زیر فشار له کند، آنان‌که که طعم این فشار را نه حس کرده و نه می‌توانند تصور کنند، از درد مردم شوخی می‌سازند و تبدیل به مطالبه‌گران کم‌دین می‌شوند. در جامعه‌ای که همه مراجع اجتماعی آن تغییر کرده است؛ هنرمند متفکر، متفکر سلبریتی، سیاستمدار گزارشگر، گزارشگر دلال و... می‌شوند.

حق دارد برداشت و نگاه شخصی خود را از آن متن روی صحنه ببرد و قضاوت را به منتقدان و تماشاگران بسپارد. نمونه بارزش نمایشنامه مشهور «هملت» اثر ویلیام شکسپیر که در جهان بارها روی صحنه رفته و هیچ‌کدام شبیه یکدیگر نبوده‌اند. برای نمایشنامه «جوادی» هم از نویسندگان برای اجرای هم‌خوان با خوانش شخصی‌ام اجازه گرفتیم. با این حال تغییرات زیادی در متن اصلی ایجاد نکردیم، جز چند جمله کوتاه که به ضرورت بازیابی مرکز هنرهای نمایشی حذف شد و صحنه‌هایی را هم مرتبط با روح کلی اثر و برای جذابیت نمایش به آن افزودیم.

مواجهه‌تان با نقد‌های مثبت و منفی چه تأثیری بر کارهای بعدی دارد؟ من سال‌هاست به تماشای نمایش‌ها می‌نشینم و بی‌تعارف و منصفانه نقدشان می‌کنم. پس انتظارش را داشتم که دیگران نمایشم را نقد کنند. من همان‌قدر که از یادداشت‌های مثبت خوشحال می‌شوم، نقد منفی و منصفانه را می‌پذیرم و از آن می‌آموزم.

مهم‌ترین پیام یا احساسی که امیدوارید مخاطب با خود از سالن «جوادی» بیرون ببرد، چیست؟ دوست داشتم تماشاگر پس از تماشای «جوادی»، تا مدت‌ها درگیر سرنوشت تلخ شخصیت‌ها باشد و به آن‌ها فکر کند. اما در روند تمرین، ماجراهایی پیش آمد که نمایش «جوادی» را برخلاف میل به سمت کم‌دین ناخواسته برد. با این حال گمان می‌کنم تماشاگران هنوز آن سرنوشت تلخ کاراکترها را دریافت می‌کنند. پیام روایت ما تفاوت برخورد نسل‌ها با ظلم و گرفتاری‌هایی است که مقابلشان قرار می‌گیرد؛ به نظر من نمایش این پیام را به مخاطب منتقل می‌کند.

رسیدیم که به نظر ایده‌آل و قابل قبول است. ابتدا از بازیگران متعددی دعوت کردم و تست گرفتم، هیچ‌کدام در نقش‌های پیشنهادی‌ام نمی‌نشستند، حتی اشتباه کردم و به خانم گمنامی که سر رشته‌ای از هنر و بازیگری نداشت و فقط به بازی علاقه‌مند بود، نقش مرجان را سپردم. حاصل این اعتماد، حدود چهارماه تمرین بی‌نتیجه بود که فقط باعث اتلاف وقت من و سایر اعضای گروه شد. سرانجام با مرور نمایش‌هایی که دیده بودم، بازیگران دلخواهم را پیدا کردم.

تفاوت اجرای شما از «جوادی» با اجراهای قبلی چیست؟ از نویسنده نمایشنامه مجوز گرفتم که برداشت خودم را از متن روی صحنه ببرم. ضمن اینکه دو مورد از اجراهای که قبلاً از این نمایشنامه دیده بودم، فضایی کم‌دین داشتند ولی نگاه من به متن جوادی، تراژیک بود و می‌خواستم غم نهفته در شخصیت‌ها و سرنوشت‌شان را به نمایش بگذارم.

چقدر به اقتباس و تغییر متن اصلی اعتقاد دارید و در «جوادی» تا چه حد این کار انجام شد؟ با اقتباس ادبی در سینما و تئاتر موافقم و آن را بسیار ضروری می‌دانم اما برخلاف اغلب کشورها، دنیا، مناسفانه رد پای اقتباس در سینما و تئاتر ایران خیلی کم‌رنگ است. گرچه تئاتر خوشبختانه از موهبت ادبیات نمایشی برخوردار است که حدودی جای خالی اقتباس ادبی را پر می‌کند. جدای از اقتباس به نظر من هر کارگردانی وقتی تصمیم به اجرای نمایشنامه نویسنده دیگری می‌گیرد،

می‌دهند، واقعیت این است که مقبولیت و پذیرش چنین چهره‌هایی از سوی جامعه، نه به دلیل اعتماد کامل عمومی و نه اعتقاد جمعی به متفاوت و اندیشمند بودن این چهره‌هاست که تنها از جای خالی مراجع قابل اعتنا می‌آید.

عناصر جهان تکنولوژی در جامعه‌ای که جایگاه مراجع اجتماعی تغییر کرده است، روشنفکران و متفکران و اندیشمندان برای آنکه نظرات و اندیشه خود را به گوش مردم برسانند باید به سلب‌ریتی تبدیل شوند و به این ترتیب پا در عرصه‌ای می‌گذارند که ابتذال سکه رایج آن است و گاهی برای دیده شدن به ابتذال چهره‌های فعال شبکه‌های اجتماعی توسل جوینده؛ و در سمت دیگر چهره‌های مشهور برای آنکه سری میان سرها داشته باشند و ردای متفکر و اندیشمند و نخیه به تن کنند باید نمایشی از کنشگری سیاسی و اجتماعی، ادیب و دانشمند، پزشک و پیشگو ایفا کنند. چنین می‌شود که جامعه نخبگانی و افراد برآمده از رفتارهای سطحی جهان تکنولوژی در یک جایگاه و مقام دیده می‌شود تو گویی چرخ دنده عناصر اجتماعی یک دور چرخیده و هر یک را جای دیگری گذارده است.

هنرمند یا مطالبه‌گر؟ در این بازار مکاره، هنرمندان قدیمی و نام‌آشنا داعیه مطالبه‌گری و نقد را بیش از سایرین بر دوش می‌کشند. آنان که سال‌هاست با حضور در رسانه‌های رسمی و برای حفظ محبوبیت خود، همواره زبان نقد داشته‌اند. نقد‌هایی که سمت و سویی با سکه‌ها، مدیران بالادستی، سرمایه‌گذار و اسپانسر تغییر می‌کرد. روزی آنان نقد را متوجه دولت می‌کردند چون خواست مدیران بالادستی چنین بود و روز دیگر حامی دولتمردانی می‌شدند که با مدیران بالادستی هم‌نظر بودند.

عرصه ابتذال جمعی سیاست‌جذب است و جهان پیچیدگی‌هاست. سیاست بازی قدرت است و همگان را به وسوسه می‌اندازد برای بهتر دیده شدن اظهارنظر سیاسی کنند، در چنین فضای نقد سیاسی مهم‌ترین عاملی است که همه چهره‌های مشهور سراغ آن می‌روند. سیاست در همه جهان و خاصه در ایران جذابیت‌های موضوعی خاص خود را دارد. شما برای متفاوت بودن، برای منتقد بودن، برای جلب توجه مردم کافی است نقد سیاسی کنید، علیه این چهره سیاسی یا آن رهبر حزب یا رئیس‌جمهوری نقد کنید. البته گاهی کافی است با مشکلات روز



فقط هنرمند بمانید!

وقتی همه چیز حتی سیاست به کالای مصرفی چهره‌های مشهور تبدیل می‌شود

برای افراد با اختلاف معنایی روبه‌روست، جایگاه و هنرمندان که همیشه در معرض رسانه‌ها قرار می‌گرفتند، محدود نمی‌شود. امروز شهرت از بی‌هنری ممکن تر است تا از هنرمندی و راه‌ها و ویژگی‌های رسیدن به شهرت شامل یک رسانه مجازی، کمی هزینه مادی و معنوی (استفاده از چهره‌های پیش‌تر چهره شده) و میزان قابل توجهی ابتذال است. البته نقد مفهوم شهرت در جای دیگری قابل بررسی است؛ اینجا مسئله این است که اساساً آنچه امروز به عنوان شهرت شناخته می‌شود بدون بن‌مایه‌های هنر یا دستاوردهای مثبت و منفی عملی و اخلاقی قابل اعتبار هستند یا نه؟

جای خالی مرجع اجتماعی در جایی که نام‌گذاری هنرمند یا فرد مشهور

عسل آفرینور دبیر فرهنگ و هنر

ویکی جرویس پنج سال پیش در مراسم گلدن گلوب نقد تیزی به هنرمندان سرشناس حاضر در سالن وارد کرد و آن‌ها را به سکوت فراخواند. «شما ادای آدم‌های اخلاق‌مدار را درمی‌آوردید ولی شرکت‌هایی که برایشان کار می‌کنید از مردم بیگاری می‌کشند. اگر داعش هم تلویزیون اینترنتی راه بیندازد با او هم کاری می‌کنید. پس، اگر امشب جایزه بردید حرف سیاسی نزنید شما در جایگاهی نیستید که در هیچ زمینه‌ای برای مردم سخنرانی کنید. شما هیچ چیز از مشکلات مردم عادی نمی‌دانید، اکثر شما دو کلاس سواد هم ندارید. پس اگر پرده شدید بیابید بالا، جایزه‌تان را بگیرد از مدیر پرنامه‌ها و خدای‌تان تشکر کنید و گم‌شوید بروید پایین.»

هنرمند یا کنشگر سیاسی؟ حالا سال‌هاست نکته‌ای که ریکی جرویس در قالب نقد و در یکی از مهم‌ترین مراسم‌های سینمایی جهان مطرح کرد، برابر چهره‌های مشهور قرار دارد. نقدی که با این پرسش آغاز می‌شود: «آیا هنرمند کنشگر سیاسی است؟» فارغ از اینکه مفهوم هنرمند چه دایره‌ای از افراد را در برمی‌گیرد و اساساً هنرمند کیست یا هنر را از کدام مکتب فکری و فلسفی باید تعریف کرد، امروز به تناسب حضور دنیای مجازی، واژه سلبریتی (چهره‌های مشهور) را باید جایگزین هنرمند کرده و بار دیگر این سوال را مطرح کنیم. سلبریتی‌های جهان مجازی را اساساً دسته کنشگران سیاسی قرار می‌گیرند و آیا اساساً در جایگاه نقد سیاسی هستند یا نه؟

هنرمند زبان مردم؟ رامبد جوان، در برنامه اخیر کارناوال انگشت نقد خود را به سوی مسئولان گرفت و در مقام یک مطالبه‌گر اجتماعی و در جایگاه هنرمند خواسته‌ای منتقدانه را مطرح کرد: «در شرایط بروز مشکلات مسئولان ابتدا یقه خود، فرزندان، رفتار و تفکرشان را بگیرند». این نمونه یک نقد سیاسی از سوی هنرمند است که به سرعت دست به دست می‌شود و بسیاری از مخاطبان بر نامه، شبکه‌های مجازی و حتی رسانه‌های رسمی به آن واکنش نشان می‌دهند. درست همین جاست که همان پرسشی که ریکی جرویس مطرح کرد در ذهن شکل می‌گیرد که آیا هنرمند کنشگر سیاسی است؟ و آیا هنرمند به عنوان نماینده مردم، در مقابل مسئولان سیاسی جایگاه مطالبه‌گری دارد؟ و این سوال مهم که آیا هنرمند از مردم عادی و مشکلات و شیوه زندگی آنها خبر دارد؟

سلبریتی؛ شهرت از بی‌هنری امروز که بیش از همیشه سلبریتی‌ها در جایگاه کنشگر، مصلح و سخنگوی اجتماعی قرار گرفته‌اند، مفهوم سلبریتی با تغییری اساسی نسبت به مهمانان گلدن گلوب سال ۲۰۲۰ که ویکی جرویس آنها را به تیغ نقد نواخت مواجه شده است. امروز

احمد رضا حجازی زاده از داستان متفاوتی که از «جوادی» روایت کرده می‌گوید

برداشت شخصی از متن حق کارگردان است



چطور شد به عرصه تئاتر وارد شدید؟ من از سال‌ها پیش آرزوی ورود به تئاتر داشتم اما نه به عنوان کارگردان، بلکه همیشه می‌خواستم بازیگر تئاتر شوم. ولی به جای این دو رشته، به لطف یکی از نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانان مطرح تئاتر، سر از خبرنگاری تئاتر درآوردم. با این وجود همیشه گوشه ذهنم بود که روزی سراغ اجرا بروم. کارگردانی را انتخاب کردم، چون همیشه در زندگی‌ام از خلق و عرضه کردن هنر لذت برده‌ام. در دهه نود، چند فیلم کوتاه ساختم و از جشنواره‌های داخلی جوایزی بردم اما کارگردانی تئاتر، مقوله دیگری بود. چون تحصیلات مرتبط با تئاتر نداشتم و می‌خواستم همه چیز را به شکل خودآموز و تجربی پیش ببرم، برای شروع چند متن مورد علاقه‌ام را به صورت نمایش نامه‌خوانی‌های محدود روی صحنه بردم. از جمله نمایش‌نامه‌های «کیوت‌تری ناگهان» محمد چرم‌شیر، «پینوکیو می‌خواهد بمیرد» دار یوش رعیت و «دل‌م‌قهوه می‌خواد» نوشته خودم که اقتباسی از یک متن فرانسوی بود. این اجراهای محدود نسبتاً موفق بودند و شجاعت‌م را برای شروع یک کار صحنه‌ای بیشتر کرد.

چه کسی یا تجربه‌ای بر اولین تجربه کارگردانی‌تان تأثیر گذاشته است؟ بیش از دو دهه تماشای تئاتر و حضور در کنار گروه‌های تئاتری، قطعاً نکته‌هایی به من آموخته که از آن‌ها استفاده کرده‌ام. سبک کار برخی کارگردان‌های تئاتر را دوست دارم و سعی کردم کارم را تحت تأثیر آنها پیش ببرم. البته زندگی شخصی و اجتماعی‌ام، به خصوص در سال‌های اخیر الهام‌بخش سبک و تفکر و نگاهم در تئاتر بوده است. اگر بخواهم ویژگی شاخصی را به

سبک کارگردانی‌ام نسبت دهم، می‌توانم بگویم سبک رئالیستی و شبیه‌سازی زندگی واقعی روی صحنه، بیش از هر چیز مورد علاقه و توجه من است.

چه چیزی شما را جذب داستان یا متن نمایش «جوادی» کرد؟

من هیچ‌وقت متن اصلی نمایشنامه «جوادی» را نخوانده بودم اما اجراهای متعددی را که از متن کهید تاراج روی صحنه رفته، دیده بودم و خیلی دوست داشتم. همیشه دلم می‌خواست چنین متنی بنویسم و کارگردانی کنم یا دست‌کم همین متن را از منظر خودم روی صحنه ببرم. آن‌چه در این نمایشنامه بیش از هر چیز من را مجذوب خود کرد، روایت آدم‌ها از زندگی در محله‌ای قدیمی و اصیل است که شاید مشابه‌اش را به شکلی دیگر در محل تولد و رشد خودم تجربه کرده بودم. آدم‌های این نمایشنامه هر کدام به نحوی برای من آشنا و ملموس و باورپذیرند. من زبان و فرهنگ شهرام را به خوبی درک می‌کنم وقتی که می‌گوید «من نه لاتم، نه الوات، کانسبم، کانسب» یا وقتی مرجان از علاقه‌اش به شعر و کتاب می‌گوید، انگار خودم را در قالبی دیگر می‌بینم. علاقه‌مندی سیامک به سینما و فیلم‌های پیش از دهه شصت، از کودکی تا امروز همیشه همراه بوده، در مقطعی من هم به باورهای مذهبی سیفالله پایبند بودم. همه این ویژگی‌ها، من را به کارگردانی متنی که بیشترین شباهت را به سبک زندگی خودم داشت، ترغیب کرد.

فرآیند انتخاب بازیگران و همکاری با آن‌ها چگونه بود؟

در پروسه انتخاب بازیگر، مشکلات و حواشی عجیبی داشتم اما در نهایت به ترکیبی





به بهانه فرونشست

خیابان هشت بهشت غربی در اصفهان

مبادا که ایران بی اصفهان شود

بی توجهی مسئولان به مدیریت آب و پیامدهای تغییر اقلیم میراث جهانی وزندگی روزمره نصف جهان را به خطر انداخته است



حمیدرضا خالقی
هفت صبح

صبح دوشنبه ۱۷ شهریور، خیابان هشت بهشت غربی اصفهان در چهارراه فرشادی ناگهان دهان باز کرد؛ حفره‌ای به عمق ۱۵متر و عرض ۶متر بخشی از معبر را فرو برد و ساختمان‌های اطراف با خطر فرو ریختن، تخلیه اضطراری شدند. منصور شیشه‌فروش، مدیر کل مدیریت بحران استانداری اصفهان، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایمنّا علت حادثه را ریزش آبی زمین اعلام کرد؛ پدیده‌ای که معمولاً بر اثر نشست آب از لوله‌ها، شسته شدن مصالح خاکی زیر آسفالت یا فرو ریزش قنات‌های قدیمی رخ می‌دهد. اما پشت این رخداد، بحرانی عمیق تر نهفته است: فرونشست زمین. برخلاف ریزش‌های ناگهانی و موضعی، فرونشست پدیده‌ای تدریجی است که در مقیاسی وسیع تر، آرام و بی‌پوسته دشت‌ها و شهرها را می‌بلعد؛ بحرانی که نتیجه برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی است و امروز نه تنها اصفهان، بلکه استان‌هایی همچون تهران، البرز، فارس، کرمان، همدان، سمنان، قزوین، خراسان رضوی، خراسان شمالی و یزد را نیز به کام خود کشانده است. اصفهان اما رکورددار این فاجعه است؛ شهری تاریخی که اکنون در برابر این «قاتل خاموش» قرار گرفته است.

این جا ببینید



اصفهان، شهری که قرن‌ها به‌عنوان «نصف جهان» به شکوه معماری و میراث تاریخی‌اش می‌بالید، این روزها روی زمینی ایستاده که هر لحظه ممکن است از زیر پایش خالی شود. حادثه اخیر در خیابان هشت بهشت غربی، جایی که ناگهان حفره‌ای ۱۵ متری دهان گشود تنها گوشه‌ای از بحرانی عمیق تر است. فرونشست زمین، همان بمب زمین‌شناسی که سال‌هاست کارشناسان از آن به‌عنوان تهدیدی جدی یاد می‌کنند، حالا پیش از هر جای دیگری پیکره اصفهان را نشانه گرفته است. ترک‌هایی که دیوار مدارس و خانه‌ها را شکافته، هشدارهایی که از تخلیه محلات و تعطیلی بیش از ۱۵۰ مدرسه حکایت می‌کند و خبرهایی که هر روز از نشست تدریجی دشت‌های پیرامون شهر منتشر می‌شود، همه و همه گواه وضعیتی است که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت. میراثی چون میدان نقش جهان و سی‌وسه‌پل نیز از آسیب این پدیده در امان نمانده‌اند؛ همان‌طور که قطع جریان زاینده‌رود، سفره‌های زیرزمینی را تهی کرده و زمین خشک و گرسنه را آماده بلعیدن شهر ساخته است. این بحران به یک رخداد محلی محدود نیست. به گفته کارشناسان، اصفهان بیشترین تعداد شهرهای در معرض فرونشست را در کشور دارد. از شکاف‌های عمیق در حاشیه فرودگاه تا ترک‌های خانه‌های شهرک «خانه‌های اصفهان»، جلگه‌ای شواهدی دارد که نشان می‌دهد که «نصف جهان» در مسیر فرسایشی قرار گرفته است که شاید کمتر از پنج سال تا نقطه بی‌بازگشت فاصله داشته باشد. حالا پرسش بزرگ این است: آیا هنوز می‌توان برای نجات این شهر دست به کاری زد، یا تنها باید نظاره‌گر فرو رفتن آرام اصفهان در دل زمین بود؟

اصفهان، بیمار زخمی زمین
اصفهان امروز از ترس فرونشستی که هر روز از یک جا سربیزون می‌آورد، حال و روز خوبی ندارد. بیماری که هر لحظه ممکن است به خاطر بلعیده شدن بخشی از خاک و زمین و اراضی‌اش، عضوی از اعضای بدنش را از دست بدهد. موضوعی که باعث شده تا از دو سال قبل تعداد قابل توجهی از ساختمان‌ها و منازل و حتی مدرسه‌های این شهر دیوارهایشان ترک بخورد و ساکنان آنها مجبور به تخلیه آنجا شوند. آن زمان اعلام شد که وضعیت به قدری بحرانی است که فرونشست بیش از ۱۵۰ مدرسه را در این شهر تهدید می‌کند و به همین خاطر چندی بعد با تصمیم مقام‌های استانی، این مدارس به خاطر خطر فروریزش

سال ۱۴۰۲ محمد درویش، فعال محیط زیست گفته بود که اگر وضعیت به همین منوال پیش برود تا سال ۱۴۰۹ کل دشت اصفهان تخلیه و سفره‌های آب‌های زیرزمینی خشک می‌شود!

دیوارها و سقف‌های آن تعطیل شدند. همان موقع «حمیدرضا خان محمدی» معاون وقت وزیر و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور ضمن هشدار دیواره اعلام کرد که فرونشست در استان اصفهان بیش از سایر استان‌ها خود را نشان داده است و با توجه به وخامت اوضاع، برخی مدارس تخلیه شده‌اند تا اصلاح و ترمیم و مقاوم‌سازی شوند. علی بیت‌اللهی، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات راه و شهرسازی در گفت‌وگو با «هفت صبح» با تأکید براینکه داستان فرونشست در اصفهان اصلاً

شوخی بردار نیست می‌گوید: واقعیت این است که استان اصفهان بیشترین تعداد شهرهای در معرض خطر فرونشست را دارد. به زبان ساده می‌توان گفت اصفهان بزرگ‌ترین کلان‌شهری است که نسبت به سایر شهرها بالاترین ریسک فرونشست زمین را دارد.

سازمان زمین‌شناسی نرخ فرونشست زمین در اصفهان را بین ۴ تا ۱۸ سانتی‌متر در سال تعیین کرد. اصفهان تنها استانی است که اثرات فرونشست زمین در آن تا بدنه‌های شهر هم آمده و به ساختمان‌های مسکونی رسیده است

میراث تاریخی در خطر
با این وجود چالش بلعیده شدن اصفهان توسط فرونشست‌های تکران‌کننده مربوط به امروز و امسال نیست. سه سال قبل بود که حمیدرضا فلاح، نماینده آن زمان اصفهان در شورای عالی استان‌ها گفته بود: فرونشست زمین متأسفانه صدمات بسیاری را به آثار تاریخی اصفهان، از جمله ۳۳ پل و میدان نقش جهان که ثروت‌های ملی ما هستند وارد کرده است. یکی از عوامل اصلی فرونشست زمین در استان اصفهان نیز قطع جریان مداوم آب در زاینده‌رود است که متأسفانه حدوداً از سال ۱۳۹۷ آغاز شده است.

پیش‌بینی‌های هولناک
گزارش‌های ترسناک در مورد فرونشست زمین به همین جا ختم نمی‌شود. برخی از کارشناسان حتی زمانی را برای بلعیده شدن کامل اصفهان اعلام کرده و می‌کنند. سال ۱۴۰۲ محمد درویش، فعال محیط‌زیست گفته بود که اگر وضعیت به همین منوال پیش برود تا سال ۱۴۰۹ کل دشت اصفهان تخلیه و سفره‌های آب‌های زیرزمینی خشک می‌شود! وی همچنین از وجود شکاف‌های عمیق و بزرگ در شمال شرق فرودگاه اصفهان و ترک‌های خانه‌های شهرک «خانه‌های اصفهان» و تخلیه مرکز پست شهید بهشتی به عنوان نمونه‌هایی یاد می‌کند که می‌تواند عمق فاجعه فرونشست در اصفهان را نشان دهد.

فرونشست تا قلب شهر
منصور شیشه‌فروش مدیر کل مدیریت بحران اصفهان هم در تشریح وضعیت بحرانی اصفهان گفته که سازمان زمین‌شناسی نرخ فرونشست زمین را بین ۴ تا ۱۸ سانتی‌متر در سال تعیین کرد. به گفته وی اصفهان تنها استانی است که اثرات فرونشست زمین در آن تا بدنه‌های شهر هم آمده و به ساختمان‌های مسکونی

رسیده است.

تیر خلاص

با این حال باز هم توجه چندانی به این چالش ترسناک نشد و زاینده‌رود که گفته می‌شود آب آن می‌تواند مهمترین راه حل برای جلوگیری از فرونشست باشد، همچنان خشک و تشنه باقی ماند تا اینکه امسال و طی چند روز گذشته با خبری که سازمان زمین‌شناسی منتشر کرد، ترس دوباره به دل اصفهانی‌ها و مدیران نصف جهان بازگشت. در این خبر که توسط رضا شهبازی، معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی منتشر شده، براساس اولین نقشه احتمالی فرونشست زمین که در دهه ۹۰ به دست آمده، از همان زمان، استان و شهر اصفهان در معرض خطر جدی قرار داشت اما حالا این وضعیت به گونه‌ای شده که می‌توان گفت؛ هم اینکه خطر فرونشست به یک خطر واقعی و بالقوه برای نصف جهان بدل شده است و این همان پیش‌بینی است که طی چند سال گذشته بارها از سوی کارشناسان محیط زیست نسبت به آن هشدار داده شده است. حالا اگر گفته‌های محمد درویش درست باشد، با توجه به سخنان اخیر معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی باید تا ۵ سال آینده منتظر بلعیده شدن بخش اعظمی از نصف جهان، این نماد کهن ایران زمین باشیم. به نظر می‌رسد شاید امروز دیگر فرصتی برای جبران نباشد همان‌طور که شهبازی با اشاره به گسترش فرونشست زمین در محیط‌های شهری گفته است برای جبران یا جلوگیری از فرونشست در محیط‌های شهری کار زیادی نمی‌توان کرد، فقط می‌توان امیدوار بود که گسترش فرونشست در کشور بیشتر از این میزان توسعه پیدا نکند.

هشت بهشت اصفهان، مشت نمونه خروار
آنچه امروز در خیابان هشت بهشت اصفهان رخ داد، تنها حادثه‌ای گذرا نیست؛ این آژیر خطری است برای شهری که سستون‌هایش بر خاکی ترک‌خورده استوار شده‌اند. فرونشست دیگر تهدیدی احتمالی نیست، بلکه واقعیتی بالفعل است که هر روز در خانه‌ها، مدارس، خیابان‌ها و حتی بناهای تاریخی رخنه می‌کند. اگر روند کنونی ادامه یابد، نه تنها میراث هزارساله ایران، بلکه زندگی روزمره میلیون‌ها شهروند در خطر نابودی است. فردا شاید خیلی دیر باشد؛ اصفهان اکنون در لحظه‌ای ایستاده است که یا باید برای نجاتش تصمیمی تاریخی گرفت، یا نقشه‌ای از شکاف‌های زمین دفن خواهد شد.



فرونشست در استان اصفهان بیش از سایر استان‌ها خود را نشان داده است و با توجه به وخامت اوضاع، برخی مدارس تخلیه شده‌اند تا اصلاح و ترمیم و مقاوم‌سازی شوند

بود. این مسئله چالش زیادی برای بیمارستان‌ها، هزینه برای بیمار و خانواده او ایجاد خواهد کرد.

تأثیر ۴۰ تا ۶۰ درصدی
اما اگر این واکسن تا این حد مهم است، چرا دولت فقط حجم محدودی از آن را وارد کشور می‌کند؟ سوالی که قیاد مرادی در پاسخ به آن می‌گوید: واکسن ۴۰ تا ۶۰ درصد می‌تواند از آنفلوآنزا پیشگیری کند. آنفلوآنزا و واکسن آن به شکل سالانه باید تکرار شود. این واکسن، گران است و معمولاً برای گروه‌های پرخطر و گروه‌هایی که در صورت ابتلا زندگی‌شان به خطر می‌افتد، تأمین و به شکل رایگان تزریق می‌شود. به گفته مرادی، سالانه حدود دو تا سه میلیون واکسن هم در داروخانه‌ها توزیع و به صورت آزاد فروخته می‌شود. تا آنجایی که اطلاع دارم اغلب کشورهای دنیا هم یک چنین کاری انجام می‌دهند و واکسن آنفلوآنزا در سبید واکسیناسیون عمومی نیست.

قیمت دو برابری
حالا اما براساس خبرهای منتشر شده، قرار است همین واکسیناسیون آنفلوآنزا برای سالمندان و زنان باردار به طور جدی توصیه می‌شود. هدف می‌گوید: پزشکانی که در دوره کاری خود با صحنه‌های ناراحت‌کننده مادران باردار مبتلا به آنفلوآنزا در بخش‌های بیمارستان روبه‌رو شده‌اند و سرفه‌های شدید مادر و اشک‌های او را برای زنده ماندن دیده‌اند، هرگز در باره اهمیت واکسیناسیون به موقع زنان باردار شک نمی‌کنند. اهمیت تزریق این واکسن در آن است که احتمال ابتلا به بیماری شدید، بستری و مرگ برای افراد واکسینه‌شده بسیار کمتر است. برای

چالشی برای چرخه سلامت

قیاد مرادی، مدیر مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر و وزارت بهداشت در این باره می‌گوید: اگر ۱۰ درصد از افراد جامعه مبتلا به آنفلوآنزا شوند، این عدد برای یک کشور ۸۰ میلیون نفری بزرگ است. حتی اگر ۲۰ درصد آن‌ها هم به پزشک مراجعه کنند آمار بالایی خواهد بود. اگر یک درصد هم نیاز به بستری داشته باشند، تعدادشان در حدود ۸۰ تا ۱۶۰ هزار نفر خواهد



محمد هاشمی، مشاور و رئیس روابط عمومی سازمان غذا و دارو درباره افزایش دو برابری قیمت واکسن نسبت به سال گذشته هم عنوان کرد: واردات واکسن امسال با ارز آزاد انجام شده و ارز توافق برای این منظور اختصاص پیدا نکرد. با توجه به تغییراتی که نرخ ارز دارد احتمال دارد قیمت محموله‌های بعدی واکسن هم متفاوت‌تر از محموله‌های کنونی باشند.

به بهانه معاف شدن والیبالیست‌های جوان

مهدوی کیامعاف نمی‌شد، رنگ بوندس لیگارانمی‌دید!

خارج از کشور فعالیت می‌کنند و برای رفت و آمد بدون مشکل به کشور، نیازمند معافیت هستند. معافیت ورزشکاران از خدمت سربازی موافقان و مخالفانی هم دارد. مخالفان این طرح را نوعی تبلیغات می‌دانند و از سربازان

دارند. گروه دوم معتقدند اگر جوانی مثل مهدوی کیا به واسطه گلزنی به تیم ملی آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، از خدمت سربازی معاف نمی‌شد شاید هرگز نمی‌توانست به اروپا و بوندس لیگا برود. مهدی مهدوی کیا به لطف دستور مقام معظم رهبری و معاف شدن از خدمت سربازی توانست به تیم بوخوم و سپس هامبورگ آلمان والیبالیست‌های جوان ایرانی هم به لطف استعداد و درخشش بی‌بدیل خود توانستند با شکست آمریکا و ایتالیا به عنوان قهرمانی جوانان جهان رسیده و با شایستگی سرباز قهرمان لقب گرفتند و از خدمت معاف شدند. ما موافق گروه دوم بوده و معتقدیم «سرباز قهرمان» تبلیغاتی نیست و اگر هم قانون تبلیغاتی باشد، باز تبلیغ برای ورزش، کسب افتخار و مدال برای ایران عزیز است.



جوانی می‌گویند که لب مرز خدمت می‌کنند اما موافقان هم حرف‌های جالب و درستی

گروه ورزش! یکشنبه گذشته خبری از قول رئیس سازمان نظام وظیفه منتشر شد مبنی بر اینکه «قهرمانان بازی‌های المپیک شامل نفرات اول تا سوم و قهرمانان اول تا سوم مسابقات قهرمانی جهان و نفرات اول تا سوم بازی‌های آسیایی در رشته‌های تحت پوشش کمیته بین‌المللی المپیک و مقام‌های اول تا سوم مسابقات جهانی فوتبال، بسکتبال و والیبال با معرفی وزارت ورزش و جوانان با موافقت ستاد کل نیروهای مسلح پس از طی دوره

آموزش نظامی در نیروهای مسلح از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌شوند.»

ماجرای خدمت سربازی و محدودیت‌هایش برای ورزشکاران اتفاق تازه‌ای نیست، سال‌هاست برای ورزشکارانی که در نوجوانی و جوانی چهره می‌شوند، خدمت مقدس سربازی مانعی برای رشد آنها می‌شود. برای برخی بحث خروج از کشور به منظور حضور در تورنمنت‌های مختلف مشکل‌ساز می‌شود، برخی دیگر مجبور می‌شوند راهی تیم‌های نظامی شوند و کیفیت پایین‌تر این تیم‌ها روند صعودی آنان را دچار مشکل می‌کند و عده‌ای دیگر هم در

خبر ویژه

آسمان پرستاره تضمین قهرمانی است؟

منیر الحدادی؛ خامه‌ای روی کیک تولد استقلال ۱۴۰۴

گروه ورزش! استقلال ساینپتو به گواه بسیاری از کارشناسان کپکشانای ترین استقلال ۱۰ سال اخیر بوده است.

خرید ستاره‌های بزرگ در فصل نقل و انتقالات امیدها را در دل هواداران این تیم زنده کرد اما منیر الحدادی خامه‌ای روی کیک تولد استقلال مدل ۴۰۴ بود!

آسمان استقلال با این خرید پرستاره‌تر شد ضمن آنکه منیر سابقه بازی در پارسلوتا، والنسیا، سویا و تیم ملی مراکش را دارد، خط حمله استقلال را وارد سطح تازه‌ای می‌کند و در کنار این رزومه موفق و انتقال جذاب تمام فاکتورهای اقتصادی که به سود باشگاه استقلال تمام شد این انتقال را یکی از بهترین نقل و انتقالات این باشگاه تبدیل می‌کند.

استقلال در پنجره تابستانی لیگ بیست‌وپنجم با جذب چند بازیکن نامدار، به یکی از پرسر و صداترین تیم‌های نقل و انتقالات فوتبال ایران تبدیل شده است. آبی‌ها که از مدت‌ها قبل برای بستن تیمی پرقدرت و مدعی قهرمانی وارد بازار شدند، با خریدهایی از جمله آنتونیو آدان و موسی چنیو عملاً پیام روشنی به رقبا دادند؛ این فصل استقلال قصد عقب‌نشینی ندارد.



فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

دو سال قبل در جریان یک نزاع کسه در محله چهار دیواری پونک رخ داد
مرد جوانی به نام حسام مورد اصابت ضربه چاقوی جوان دیگری به نام اشکان قرار گرفت و به دلیل شدت جراحت وارد شده به گردن حسام، او علیرغم انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

به این ترتیب با گزارش کادر درمان بیمارستان، تیم جنایی تحقیقات خود را آغاز کرده و برای رسیدگی به موضوع در سردخانه بیمارستان بالای سر جسد حسام حاضر شدند. در بررسی‌ها مشخص شد حسام ساعتی قبل از مرگ توسط خانواده خودش به بیمارستان منتقل شده بود. این در حالی بود که او از ناحیه گردن جراحت عمیقی داشت و خون زیادی از او می‌رفت. پزشکان و پرستاران بیمارستان خیلی سریع اقدامات لازم درمانی جهت معالجه و درمان حسام را آغاز کردند اما وخامت حال حسام به حدی زیاد بود که این اقدامات بی‌فایده بوده و او جانش را از دست داده بود. به این ترتیب نخستین کسی که هدف تحقیقات جنایی قرار گرفت خانواده حسام بودند که او را به بیمارستان رساندند.

اولین سرنخ

پدر حسام در نخستین اظهاراتش به مأموران گفت: پسرم تازه داماد بود و در هنگام وقوع جنایت همسرش هم در کنار من بود. ذقایقت قبل وقتی هنوز من و همسرش به کوچه نرسیده بودیم او با شخصی به نام اشکان درگیر شده بود که ما با شنیدن سر و صدای آنها وارد کوچه شدیم. اما وقتی ما رسیدیم غائله ختم شده بود و پسرم داشت با اشکان گفت‌وگو می‌کرد. شنیدم که می‌گفت به برادرزنت بگو در محله مسا اقدام به عریده کشی و فحاشی نکند چون اینجا خانواده زندگی می‌کنند. من هم کنار حسام ایستاده بودم تا دوباره عصبانی نشود و دعوا بالا نگیرد. اما همان موقع ناغافل اشکان به سمت پسرم دوید و مقابل چشمان من چاقو را در شاهرگ حسام فرو کرد. همان موقع بود که صدای فریاد و جیغ عروسم در کوچه پیچید و همسایه‌ها به سمت ما سرازیر شدند. اشکان هم از موقعیت استفاده کرد و پا به

صحنه‌سازی‌های قاتل پلیس را فریب نداد

راز قتل مادرودختر در سینه پدر

متهم به ناچار پس از چندین هفته سکوت، راز جنایت‌ها را فاش کرد



از جنایت بگو؟

روز حادثه با همسرم دعوایم شد. سر همان اختلافات قدیمی و مسائل مالی. او عصبانی شده بود و گفت از دست تو و کارهایت خسته شدم. ناگهان به سمت گاو صندوق رفت و اسلحه‌ای را که داخل گاو صندوق بود، برداشت. ترسیدم و به طرفش رفتم می‌خواستم اسلحه را از دستش بگیرم و در همین کش و قوس‌ها بودیم که ناگهان تیری از اسلحه شلیک شد و به همسرم اصابت کرد. به خودم که آمدم او را خونین روی زمین دیدم.

تصمیم نداشتی اجساد را از خانه خارج کنی؟ نه! سعی داشتم با صحنه‌سازی مسیر تحقیقات را تغییر دهم.

صحنه‌سازی‌ات به چه صورت بود؟ داشتم می‌گفتم بعد از اینکه طلاها را جاساز کردم به خانه رفتم و آنجا را بهم ریختم. بعد هم سنسار بوی دروغین اینکه در نبود من افرادی به خانه آمده و آنها را به قتل رسانده‌اند را طراحی کردم.

تحصیلات چقدر است؟

تا دیلم در سن خوانده‌ام اما در کرم حرفه‌ای بودم و سمت خوبی داشتم ولی به خاطر یکسری اختلافاتی که داشتم، از کار اخراج شدم.

چه شد که بعد از این مدت اعتراف کردی؟ عذاب وجدان لحظه‌ای رهایم نکرد. در تمام این مدت چهره دختر و همسرم از جلوی چشم‌هایم رفت و مدام کایوس آنها را می‌دیدم.

صبح ۴ مرداد امسال مرد جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و از قتل همسر و دختر ۱۳ ساله‌اش در برجی لوکس واقع در چیتگر خبر داد. به‌دنبال اعلام این خبر تیم جنایی راهی محل شده و در اتاق خواب یکی از واحدهای طبقه هفتم برج با جسد مادر و دختر در کنار هم مواجه شدند.

مرد ۴۵ساله در تحقیقات اولیه گفت: برای انجام کار اداره به بانک رفتم و زمانی که بازگشتم با خانه بهم ریخته مواجه شدم. هر چه همسر و دخترم را صدا زدم کسی پاسخ نداد و در نهایت در اتاق خواب با جسد آنها مواجه شدم. به‌دنبال اظهارات مرد جوان، کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مدار بسته برج پرداختند. دوربین‌ها رفت و آمد ساکنان برج را نشان می‌داد اما در مدتی که مرد جوان مدعی بود، فرد غریبه‌ای وارد یا خارج نشده بود. بدین ترتیب مرد جوان به عنوان تنها مظنون این پرونده بازداشت شد. در حالی که متهم جوان سکوت کرده بود، کار آگاهان جنایی به تحقیقات خود ادامه دادند اما تمامی سرنخ‌ها به مرد جوان ختم می‌شد و نشان می‌داد که او در این قتل‌ها دست دارد. بررسی‌ها در این رابطه ادامه داشت تا اینکه صبح ۱۷ شهریور با گذشت ۴۴ روز پس از قتل، مرد جوان لب به اعتراف گشود و راز قتل همسر و دختر ۱۳ساله‌اش را برملا کرد. با اعتراف متهم جوان به قتل‌ها، به دستور بازپرس جنایی او در اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

عذاب وجدان رهایم نکرد

متهم به قتل همسر و دخترش در حالی سکوتش را شکست که مدعی است در تمام این روزها عذاب وجدان رهایش نکرد.

چه زمانی این اتفاق افتاد؟

ظاهر بود؛ ساعتش را دقیق نمی‌دانم اما تا فردا صبح با اجساد در خانه بودم. عذاب وجدان داشتم از اینکه دخترم و همسر را کشته بودم اما کاری از دستم برنمی‌آمد. تا صبح بالای سر اجساد بودم تا اینکه صبح زود از خانه خارج شدم و به بانک رفتم. می‌خواستم صحنه‌سازی کنم و با نشان دادن خودم در دوربین بانک و کارمندان آنجا، برای خودم شاهد بسازم.

پنج میوه برای جلوگیری از ابتلا به سرطان

میوه‌ها دارای مجموعه‌ای متنوع از ویتامین‌ها، مواد معدنی و ترکیبات گیاهی هستند که سلول‌ها را قادر به مبارزه با رادیکال‌های آزاد و کاهش خطر ابتلا به سرطان می‌کنند. به علاوه، میوه‌ها حاوی فیبر هستند که به بهبود گوارش و سلامت دستگاه گوارش کمک می‌کند. میوه‌ها همچنین می‌توانند به کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن مانند دیابت، بیماری قلبی و فشارخون کمک کنند.

۱) بلوبری (توت آبی): بلوبری میوه‌ای بسیار مغذی است که سرشار از آنتی اکسیدان‌ها، به ویژه آنتوسیانین‌هاست که رنگ آبی آن را ایجاد می‌کنند. آنتی اکسیدان‌ها به محافظت از سلول‌های بدن در برابر آسیب‌هایی که ممکن است به سرطان منجر شوند، کمک می‌کنند. بلوبری همچنین منبع خوبی از ویتامین C، فیبر و سایر مواد مغذی است که سیستم ایمنی بدن را تقویت کرده و به هضم کمک می‌کند.

۲ سبب: حاوی ترکیبات گیاهی طبیعی است که به محافظت از سلول‌ها و کاهش التهاب‌ها کمک می‌کند که هر دو برای کاهش خطر ابتلا به سرطان اهمیت دارند. سبب شامل پلی‌فنول‌ها (ترکیبات گیاهی) مانند کوئرستین، پروانیدین و اسید کروژنیک است که مانند تیمی پاک‌کننده عمل کرده و مولکول‌های مضر که ممکن است سلول‌ها را آسیب بزنند، خنثی می‌کنند.

۳ **انگور:** انگورهای قرمز و بنفش غنی از ترکیب طبیعی رزوراترول هستند، یک آنتی اکسیدان که ممکن است از DNA محافظت کرده و رشد سلول‌های سرطانی را کند کند. برخی تحقیقات نشان می‌دهند که مصرف انگور ممکن است خطر ابتلا به سرطان‌های پستان، روده بزرگ و پروستات را کاهش دهد.

۴) توت‌فرنگی: منبع دیگری از مواد مغذی است که ممکن است در محافظت در برابر سرطان موثر باشد. این میوه حاوی آنتی‌اکسیدان‌هایی مانند ویتامین C، آنتوسیانین و اسید الازویک است که به خنثی‌سازی رادیکال‌های آزاد، کاهش التهاب و حفظ سلامت سلول‌ها کمک می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که توت‌فرنگی ممکن است خطر ابتلا به سرطان مری و پستان را کاهش دهد.

۵ مرکبات: مانند پرتقال، لیمو، گریپ فروت و نارنگی سرشار از مواد مغذی هستند که سلامت عمومی را تقویت کرده و ممکن است خطر ابتلا به سرطان را کاهش دهند. مرکبات حاوی ویتامین C، فیبر و ترکیبات دیگری مانند فلاونوئیدها، کاروتنوئیدها، لیمونوئیدها و پتیدها هستند. مصرف مرتب مرکبات ممکن است خطر ابتلا به سرطان پستان، معده و دهان را کاهش دهد.

طراح: حمید رضا محمد رضایی

جدول کلمات متقاطع

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
							15							1
							14							2
				15				15				15		3
15	15				15				15	15				4
					14	14								5
			15					15				15	15	6
		15						15						7
			15						15					8
				15			15				15			9
15	15				15					15				10
						15	15							11
			15	15				15				15	15	12
		15							15					13
					15					15				14
						15								15

- ۱- ارزومند و مشتاق - آخرین حاکم آل بویه
- ۲- جزیرای در شرق اسپانیا - از شهرهای سوئیس
- ۳- معبر رودخانه - رشد کردن - آگاه باش - آن که کفش دوزد و فروشد
- ۴- رود مرزی ایران - قبیح تر و زشت تر - ندامت استقامت در طبیعت
- ۵- نام بازه‌ای از صدا در موسیقی می باشد - نامه ای که حکایت از غم و اندوه باشد
- ۶- شیوه و طریقه - از آن قند به دست یَد - سنگ سبز قیمتی
- ۷- خیمه کشی - تری و تازگی و طراوت - مجازات شرعی
- ۸- ایشان - دستورات - مرطوب
- ۹- فروزه - جبران کردن - شبیه و مثل
- ۱۰- غم و غصه - دایری - رشک
- ۱۱- کتاب پر فروش استیو تولتز - حمله هوایی
- ۱۲- سایر و دیگر - سوغات کرمان - تلاش
- ۱۳- پایتخت سودان جنوبی - نمای سینمایی - همکار صندلی - تنها
- ۱۴- عمران و سازندگی - فیلمی از استیون گاکان
- ۱۵- از غذاهای سنتی دامغان - احرار



نماز زبان پرنس هری

بیماران ایدز و کودکان نیازمند توجه جهانی را به مسائل
یابود ووارا به نماد عشق، مهربانی و دلسوزی تبدیل کرد.

رسمی اواز پرنس چارلز در سال ۱۹۹۶ منجر شد اما
حتی پس از طلاق نیز او همچنان تحت نظارت رسانه‌ها و
انتقادات درباری ماند.

مرگ تراژیک دایانا

پرنسس دایانا در حادثه‌ای تراژیک در ۳۱ اوت ۱۹۹۷
در گذشت. خودروی بنز ضد گلوله حامل دایانا و دوستش
عماد (دودی) الفاند سیرمایه‌دار بزرگ مصری در یک
تصادف به شدت آسیب دیده و کشته می‌شوند. پرنس هری
لحظه تأثیر گذاری را که در مراسم خاکسپاری مادرش به
خودش اجازه داد برای اولین بار گریه کند، فلش می‌کند.

مراسم وداع در وست‌مینستر

پرنس هری در خاطراتش که سال ۲۰۲۳ منتشر شد، جزئیات روزی را که جهان باز دست دادن «پرنس قلب‌ها» تکان خورد، بازگو کرد. در آن زمان ۱۲ اساله و پادشاه پرنس ویلیام، ۱۵ ساله بود؛ زمانی که پشت تابوت مادرشان در مراسم وداع در صومعه وست‌مینستر حرکت کرد.

گریه با آهنگ التون جان
 هری توضیح داد که آشفته‌ها تقریباً هنگام اجرای آهنگ مشهور التون جان «Candle in the Wind» سرزیر شد اما واقعاً آنها زمانی گریه کرد که مادرش را در مکان نهایی دفن در جزیرهای کوچک در خانه خانوادگی «التورپ» در نورث‌همپتون شایر قرار دادند. هری یادگیری این آهنگ را به یاد می‌آورد: «وقتی تمام شد، من گریه می‌کردم»

مس معروف ولایت دایانا
عکسی اشاره کرد که
برادرش بر دستهای پر نسی
داخل نابوت قرار داده شده. او
شاید ما تنها او مردی بودیم که واقعا او را
دوست داشتیم.» هری در نهایت نام دخترش
اللیبیت دایانا گذاشت تا یاد مادرش را
زنده نگه دارد.

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جای‌گذاری نمایید.

باسخ های شماره قبل

۳	۴	۹
۱	۸	۵
۷	۲	۶
۵	۳	۴
۶	۱	۷
۸	۹	۲
۴	۶	۸
۷	۵	۳

۴ حرفی: ری شهر

 لیدیه

 واردو

 وایره

 بودای

 بورسا

 پاجوش

 تورین

 تیمبو

 دستاس

۵ حرفی: اسوان

 املال

 اودسا

 ایک عمر

 بنداور

 تریسته

 واتس اپ

 رمنونت

۷ حرفی: تپه مارو

 ختم نبوت

۸ حرفی: اسدابادی

 املت قارچ

 رضوانشهر

 سالونیکا

۶ حرفی: تپه مارو

 ختم نبوت

 اسدابادی

 املت قارچ

 رضوانشهر

 سالونیکا

سودوکو

سودوکوی سامواریایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در آن دارای جذابیتی است

در این نوع سودوکو یک مربع در ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع در ۹ در ۹ ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که از جدول جدا سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامواریایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاوریم. اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامواریایی است. دقت کنید سودوکوی سامواریایی نیز تنها راهی برای جواب منحصر به فرد است.

۶	۱
۳	۴
۴	۳
۳	۴

۳		۸		۱			۲۵۷		۹			۶			
۸			۱		۶			۴		۲		۱			
۲	۶	۴		۸	۵	۳		۹	۵	۴	۷	۲	۳		
				۵			۴	۷				۵			
۹				۶				۳				۴			
۱					۲	۴		۶				۳	۹		
۵		۱	۶	۳			۶	۹	۵		۸	۳	۱		
	۷			۴			۷		۹			۳			
	۹			۱	۶	۲	۵		۷	۳		۲	۶	۹	۵

[illegible]

❖ کمی درباره پرنسس دایانا

پرنسس دایانا، معروف به «پرنسس قلب‌ها»، ۱۹۶۱ در ساندروی هام، انگلستان به دنیا آمد. دایانا با مهربانی، زیبایی و فعالیت‌های خیره‌ناش به یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های جهان تبدیل شد. در سال ۱۹۸۱ با پرنس شارز، دو ولیعهد وقت بریتانیا، دواج می‌کند و صاحب دو پسر به نام‌های پرنس ویلیام و پرنس هری می‌شود.

مشکلات عاطفی و تنهایی دایانا

تنهاسی دایانا در طول زندگی خود بسیار چالش‌ها و پرسش‌هایی جدی در دربار سلطنتی بریتانیا رو به‌رو بود. ازدواج او با پسر چارلز از ابتدا تحت فشار رسانه‌ها و انتظارات شدید خانواده سلطنتی قرار داشت و زندگی خصوصی او اغلب در معرض توجه جهانی بود. دایانا به مشکلات عاطفی و تنهایی در دربار اشاره کرده و گفته بود که احساس می‌کرد تحت کنترل و محدودیت‌های شدیدی قرار دارد.

اختلاف دایانا و ملکه الیزابت!
یکی از بزرگ ترین منابع تنش، رابطه دایانا و ملکه الیزابت بود. دایانا در خاطراتش اشاره کرده که گاهی احساس می کرد دربار او را به عنوان فردی غیر قابل انتعاف یا ناشایست می بیند و به همین کاف از او دریافت نمی کرد. همچنین رقابت و اختلاف نظر دایانا و نقش او در خانواده سلطنتی و نحوه تربیت فرزندان، به تنش ها افزود.

جدایی دایانا از پرنس چارلز
مشکلات دایانا با دربار و ملکه همچنین شامل فشار
برای حفظ ظاهر و رعایت پروتکل‌های سلطنتی بود،
در حالی که او خواهان
استقلال و بیان
احساسات خود بود.
این اختلافات نهایتاً
به جدایی

A man in a dark blue suit, white shirt, and patterned tie is sitting in a black office chair. He is looking down at his hands, which are clasped together in his lap. The background is white with some yellow scribbles on the left side.

جدول و سرگرمی

8	5	2	1					4	3	1	5	9	2	7	6	8
1	9	7	3	5				8	6	2	7	1	4	9	3	5
4	3	9	2	7				5	8	7	6	3	2	1	4	9
2	8	6	9	4				3	4	6	9	1	5	7	8	2
3	6	2	1	4				9	2	4	1	8	5	6	3	7
9	1	5	8	3				1	7	5	3	2	6	9	4	8
5	2	3	4		1	6	2	7	5	8	9	3	1	4	2	7
1	9	2	5	7	4	3	6	1	8	2	7	9	4	3	7	5
8	4	1	6	7	8	9	5	2	3	8	5	7	1	6	9	4
			2	1	3	4	6	9	7							
			8	7	3	5	9	1	2	6						
			5	9	6	2	1	7	3	4	8					
6	7	4	2	1	6	3	8	5	9	7		8	1	2	3	6
4	6	7	3	9	5	2	7	8	6	1	3	2	7	6	4	9
1	2	6	8	9	4	7	1	5	3	2	5	6	9	1	7	1
8	3	9	5	7				2	4	9	8	5	3	6	7	1
2	6	9	2	3				3	7	5	1	9	6	3	8	2
7	5	8	1	4				6	1	4	7	2	9	3	8	5
3	8	1	7	6				7	8	4	2	5	1	9	3	7
9	4	3	5					9	5	3	6	1	7	8	2	4
7	1	5	9					1	2	4	9	3	8	5	6	7

[illegible]

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ن	و	گ	ف	ت	گ	ا	ش	ر	ا	ن		۱
ر	س	ا	و	ا	و	ا	ل	ا	و	ی		۲
م	ب	ج	ی	م	ب	و	ر	ی	غ	د		۳
س	ت	ه	د	س	ر	ل	و	ا	ن			۴
و	ر	ا	ق	ا	ه	ر	ا	م	ک	ن		۵
ا	د	ا	ش	و	ا	ش	ت	ش	ی			۶
ک	ر	ت	و	ر	ا	ی	د	و	ت			۷
و	ا	چ	ا	ر	و	ر	ا	ه	ا			۸
ا	ی	ب	ر	ک	ا	ل	ا	ز	ا			۹
د	ا	ن	و	ل	ا	ن	ج	ل	ا			۱۰
ه	چ	ب	و	م	و	ش	ی	د	ج			۱۱
م	ی	ر	و	د	ر	ی	و	ر	س			۱۲
ا	ر	ب	ا	خ	ب	ا	ر	ا	ت			۱۳
خ	ا	و	ا	س	ر	ی	ا	ن	ا			۱۴
ح	د	ا	ن	و	ن	ا	ن	ی	ن			۱۵